

وضعیت مهاجرین در  
مصاحبه اختصاصی کلیک با  
سر قنسول افغانستان در مشهد



❖ شستشوی دستهای خون آلود با مایع قانون

❖ عشق اقبال

❖ نقش همراستایی منافع در پایداری اجتماعی

❖ کرسی پارلمان پوششی برای عقده گشایی



طعنه از نسک که شنیدم مردم  
ب خدا عاشق شنیدم  
ب خدا از غصه شدیدم

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

در این شماره می خوانید:

آغازین کلام / ۱

اجتماعی

سیاست

شتری دستهای سخن آورد به مایع قانون ۷/

هم راستی ۹/

حقوق زن ۹/

طبل خرد کامگی به صدا در آمد ۱۰/

اولتیماتی

نگرش بر تربیت اولاد ۱۳/

سدودیت کاربرای کارگران افغان ۱۵/

acusage با جنرال قنسوی افغانستان در مشهد ۱۶/

فرهنگی

قدیمی

تحريف ۲۰/

عشق اقبال ۲۲/

اثری

کیجاره سخن ۲۴/

خاطره ۲۶/

زندگی ۲۷/

پیغمبر اندیشه ۲۸/

نشویش ۲۹/

چایخانه ۳۰/

دوشیان گاو ۳۳/

حافظ سرمایه دار ۳۴/

علمی

جهان سوم ۳۶/

ادامه مصائب ۳۷/



صاحب امتیاز: نگهداری اینترنتی کلام ایران

مدیر مستول: عبدالله موسوی

ssusimanhosseini@gmail.com

سردیر: علی‌محمد موسوی

Naghm.mousavi@gmail.com

دورانی سردیری :

ناصر الدین حسین حیدری - ابراهیم مرغوبی (سلالت) -

اسمال ملائمه - خلیل علی علیزاده - سید علی موسوی

مصطفی جباری

طریقی و مصلحت آرایی، ناصر الدین حسین حیدری - زکریا

هشتلان این شماره

حامد حیدری - حاتم موسوی - عابدیجہ ابراهیمی

زهرا حسینی - محمد حسن مرادی - محدث لطفیار -

نصر حسین مصدقی (پاکستان) - کاره فیضوار

علی حکیمی - سید قاسمی

ولیکر از آنای یوسف انتشار جنرال

قصوتگری افغانستان در مشهد مقدس

وب سایت: www.tabalwor4t.com

Tabalwor@gmail.com

کلیک

از آثار و مطالعات شما استقبال می کند

در ویدیوهای پیداگوژیک و گزینش مطالعه آزاد است

مطلوب لنتشار یافته هر روزا به مذکور پیداگاه تدریس نمی باشد

آدرس لاین: ملکه مرکزی: ملکه مقدس - کلکه - امیرالمؤمنین ۲ - ب- ۳۰ - ۰۹۱۰۳۰۸۷۸۶۳ -

کابل: غلامزاده ۷۹۹۰۷۸۸۷ - هرات: علیزاده ۷۷۳۱۲۴۶۶ - مزار شریف: سید سورور حسینی ۷۹۹۲۳۴۲۵۱ - پهلوی: سید دلورد فلاح

# آرمان

خنای را به اسکندریم که توانیش دیگر عنایت فرمود تا عمری بالقی باشد و مجالی دیگر فراهم آید تا فرمودت

یابیم که نشر شماره دیگر از فصل ثامن علمی فرهنگی و اجتماعی کلیک را به محض شما خواسته گرامی تقدیم نماییم . همانطوری که می تانید رمالت فرهنگی نشریات ایجاد می کند تا وسیله ای باشند برای نشر آلام و فریاد مستعدیدگان که گذرگاهی نمی بایند برای رسانن از ظلم عظیمی که عاید حالشان گردیده بدن جهت سع نمودیم تا چنانچه که آب دری را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید . مقداری از آلام اینها را اگر نتوانستیم برطرف کنیم و مردمی برو آن نهیم در عوض با انعکاس آن بتوانیم تمام دهنده ای یابیم و یا راهیانی را برای حل این مشکل فراروی متولیان امر بگستریم .

## کدام متولیان

همین متولیانی که دم از تلاش برای رفع معضلات و مشکلات محرومان و مظلومان و مستعدیدگان مملکت من زند و کوس انتقام جوی از عاملان این بدجذبی ها و سیه روزی ها را به افلات می رسانند ولیکن در مقام عمل چه می کنند ؟ ...

آیا تکلیف متولیان در برایر بدن نجیف کودکی که شب از سرما برخود می لرزد و صبح که می شود جسمش صاعتنی بیش نیست که فراق روح را پذیرفته است . سکوت است و یا آن را در هیاهوی صحنه های فیلم های خوبی به پاد فراموش می سوارند ؟

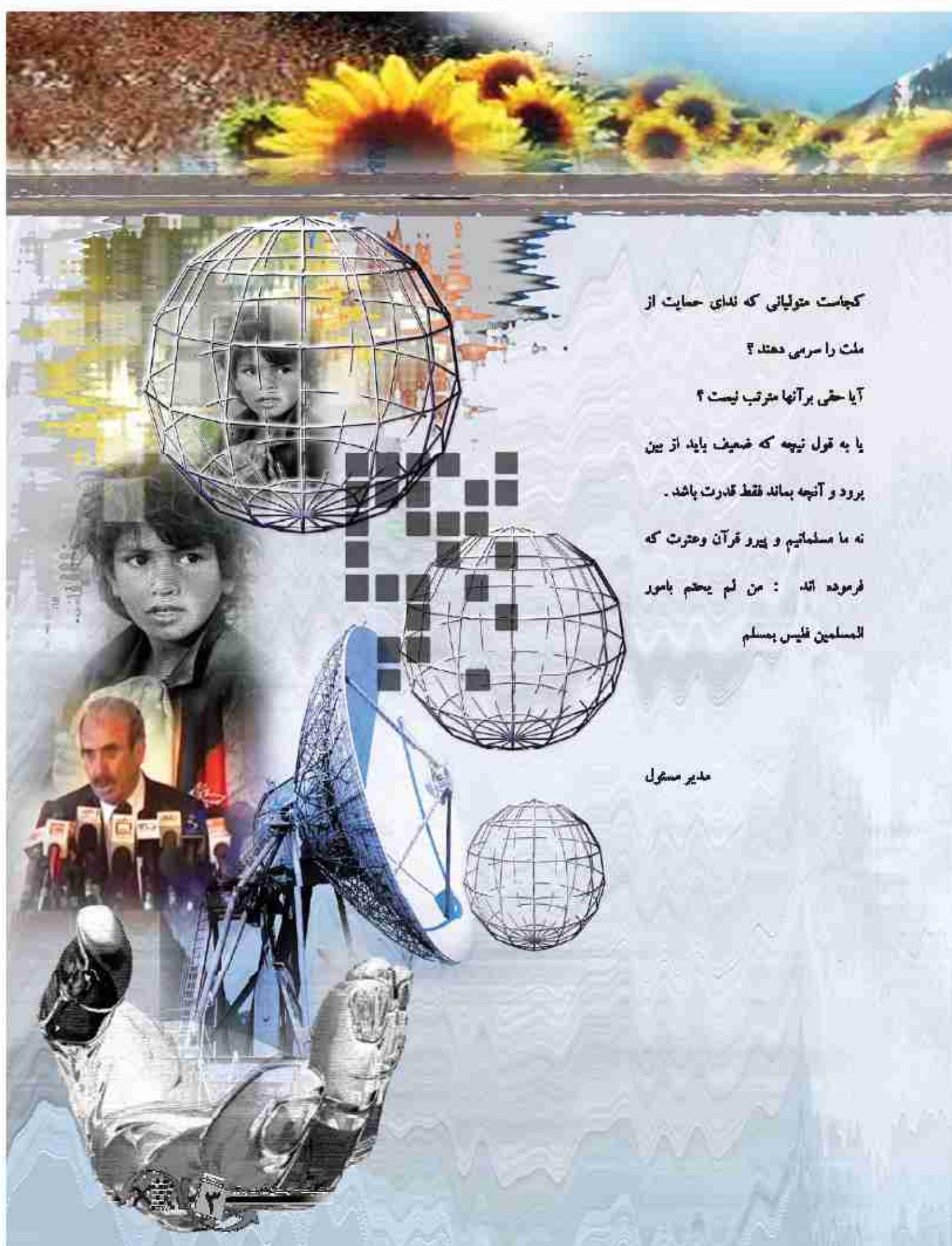
یا تکلیفشان چیز دیگری است و آن این است که در مقابل توجیه که ترس در چشمانتش موج می زند و از آن می ترسد که تکه تل خشکیده در میان دستان پنه بسته اش را کسی به زور نستاند ! چهره در هم کشند و اعیانی تنهند ؟

کجاست متولیانی که نهایی حمایت از ملت را سر می دهند ؟

بر کدامین بستر گرم خسیده اند ! کلمین توای گوشنازی گوشهاشان را از شنیدن آه مظلومان باز داشته و یا کدامین دوست دست انتقام از عاملان بیچارگی ملت افغان را بربده است ؟

کیست که با تیشه به ریشه خودمان می زند و قریانیان حوادث چندین ساله وطن را نادیده می نگارند ؟

آیا بازمتدهگان قریانیان حوادث اخیر در جامعه ما از زیش ندارند ؟



کجاست متویانی که نهادی حمایت از  
ملت را صریع داشت؟

آیا حق بر آنها مترب نیست؟

یا به قول نبیه که ضعیف باید ازین  
برود و آنچه بماند فقط قادر باشد.

نه ما مسلمانیم و پیرو قرآن و عترت که  
فرموده اند : من لم يحتم بالمور  
المسلمین فليس بمسلم

مدیر مسئول

# آباد مایع قانون

امین آومن

ظاهر این مساعده، تصمیم پارلمان افغانستان را مردوده نکنند و  
مخاطر نشان کرده که به جز قریاتان جنگلها افغانستان همچو  
فرد دیگری اجازه ظهر این گروه ها را ندارد و تلاش برای  
دست یافتن به حقایق و تامین حقوق قریاتان جنگ های  
افغانستان، از عنصر مهم در تولیدات اجلال نلدن در مردم  
افغانستان است و این امر باید از سوی دولت افغانستان و به  
همکاری جامعه جهانی تحقق باید. از طرف دیگر از جانب  
نهادهای حقوق بشری و کمیون مستقل حقوق بشر افغانستان  
که به موجب قانون اساسی، به متکثر نظارت بر حقوق بشر در  
افغانستان و رعایت آن، تاسیس گردیده، چیزی هنوز شنیده  
نشده است در ارتباط با ماهیت و چگونگی پیگرد به رای  
جنگی، ماهیت و دوستی پژوهش حدلت انتقالی در کشورهای  
جنگزده و افغانستان، سود و زیان پیگردنا، بن بستهای  
تکریک و پراکنیکه آن، معما ریاضی و سیاست دولت  
افغانستان در این موارد... مطلب تحقیقی مفصلی در دست  
کار است که به طور مبسوط، وجهه مختلف این امور را شرح  
خواهد داد، لما آنکه عجالتا در ارتباط با تصمیم اخیر پارلمان  
افغانستان چند نکتهای ذکر می شود:

۱. پارلمان، بهترین و اصلی ترین دکن و مرجع  
قانونگذاری در هر کشور است. مصوباتی که با طی مراحل  
کامل آن، از سوی پارلمان مقرر می شوند، بر تمام قوانین و  
مقروبات موضعیه از سوی مراجع دیگر مانند قوه مجرمه یا قوه  
قضاییه، حاکم است. بتاید، هرگاه مصوباتی که از تصویب  
پارلمان می گذرد، به تصویب سنا و توضیح رسی جمهور  
بررسد، به عنوان «قانون» تجلی می کند و بر تمام مقروبات  
مشمولی کشود برقراری دارد. از این رو، هرگاه میان مصوبه ای

## شیوه دستهای

کمایی به پارلمان افغانستان و مکالمه مصوبات از

جزایم و مجازات

برای تحسین بار در پارلمان افغانستان، بعض مرجع  
بر قانونگذاری، کشور، طرحی به تصویب می رسد که به  
موجب آن، افراد متمم به جرم و جنایت صریحاً از پیگرد  
جنایی منع می شوند پارلمان افغانستان، که بحق مرجع  
قانونگذار عویش است، طرحی را بنام «مصطفی ملی» آمده و  
به تصویب رساید که به موجب آن هیچیک از متهمن به  
از تکاب جنایات جنگی، جزایم علیه پشت و تخطی کنند گمان  
از حقوق بشر در طی جنگهای داخلی افغانستان، قابل تعیب  
نموده بود این طرح که مصوبات کامل، را برای متهمن  
موصول در نظر گرفته است هرچند با مخالفت صریح بعض  
حطقات داخلی پارلمان روبرو شد اما سراجهم به تصویب رسید.  
هدف از این طرح جانشک طراح آن گفت است:

تعین آرایش روابط بداعویه کوششی درگذید در  
خلقه خلیل افغانستان است. لذتمن کروا  
سازمان ملل متحد در این زمانه اسلام  
موضوع توجه است.



مهترین ویژگی قانون، پاسداری از حقوق افراد جامعه و تعریف تکالیفی است که افراد در برایر قانون دارند، اما قانون فقط من تواند رفتارهایی را «معن» یا «مجاز» تماشای کند «معن قانونگذار»، فاتا در تضاد با ماهیت و چیزی و روح قانون نباشد. به عبارت دیگر، ممکن نیست قانونی وضع کرد که با مخفیانه و وضع قانون، مخالف بوده و «خلاف مخفیانی ذات خود» باشد و یا با «روح» خود و مخفیانی قانونگذاری، «خلافات دلخواه» باشد. اختصاری قانون و لغته مخفیانی ذات پاسداری از نظام، امنیت و حقوق افراد است، مجرم و تبهکار کسی است که قانون را نقض کرده است و حقیقتاً به همین دلیل باید تعقیب و مجازات گردد تکلیف قانونگذار حساب از حقوق جامعه و جلوگیری از اخلال آن است. به همین دلیل، رفتارهایی متعلق آزادی و حقوق افراد را جرم می خوانند پس، هیچ قانونگذاری مجاز نیست قانونی وضع کند که متن مفاد و مخفیانی ذات آن و برخلاف فلسفه و روح قانون و قانونگذاری باشد.

۳. میثاقهای راجح به حقوق اساسی بشر- مائد آنچه گفته شد- در مواردی هیچ پابلوون اینکه کشوری به آنها ملحق شده باشد، بر تمام قوانین و مقررات موضوعی داشته باشند کشورها حاکم اند مائید پیمانهای ناظر بر منع تجزیهای موقت کشند، هنچ بروزه داری و چنایات علیه پیشیت، هرگاه مفاد این پیمانها و میثاقها از سوی کشوری یا دولتی یا نهادی نقض گردد که به حضوری آنها در نیامده، در صورتی که نقض راجح به امور مذکور بوده باشد، عوجب مشغولیت نقض کننده خواهد شد حتی اگر دولت یا رئیسی از سوی ملل متعدد به وسیط شناخته نشده و هیچیک از پیمانهای بین المللی را امضاء نکرده باشد در برایر نقض «قواعد امریکی» بین المللی، مشغولیت بین المللی دارد طالبان، به همین دلیل قابل تعقیب هستند و الا کسی نمی تواند آنها را متهم به جرم، چنایت و نسل کشی شاید زیرا نه حاکمیت طالبان از سوی ملل متعدد مشروهیت یافته بود و نه ملل متعدد از سوی طالبان به وسیط شناخته می شدند بنابراین، اگر لارا و آنده تعقیب چنایتکاران جنگی، مرتكبین جرمی علیه پیشیت و ناقصین حقوق اساسی و بین‌المللی پسر، لایح مقررات داخلی هر کشور باشد، وارد تهدید اتهامات مزبور نسبت به طالبان یا دیگر رژیمانی خودرس و تبهکار در دیگر نقاط جهان، بی مورد و حقیقی مخالف خواهد بود.

ادامه دارد -

پارلمان و مقرره ای که از سوی دولت- قوه مجرمه- و یا قوه قضاییه تدوین می شود، تعاضی می بود آید، قانون صادره از سوی پارلمان مقام ذاتی شده و حاکم بر تمام قوانین و مقررات معارض تلقی می شود اما در هین حال، این برتری تا آنجا نیست که ذاتی این تا «اصول مسلم حقوقی»، قانون اساسی و «قواعد امریکی» دیگری که ذاتاً حاکم بر «قوانين مادی» هستند گسترش یابد و آن اصول، قواعد و هنجارهای پیادی را لیز در بر گیرد و از امرگذاری بازدارت بنا براین، با وجوده اینکه مصوبات نهایی پارلمان، نیست به تمام مقررات دیگر برتری دارند، بلکن در برایر قانون اساسی کشور، اصول و قواعد مسلم حقوقی در مرتبه نازلتری جایی می گیرند و هرگاه میان قانون اساسی و اصول مذکور و قانون مصوب پارلمان تفاوتی به وجود آید، قانون مصوب لغو و یا از خواهد شد.

۲. یکی از اصول و قواعد امریکی حاکم بر قوانین و حقیقی اولین اساسی کشورهای اصول ناظر بر حقوق اساسی بشر و مقررات دلیلی «من نسل کشی» و «برده داری»، چنایات جنگی، و «جرائم حلیه بشریت» است. در این شکی نیست که امروزه هیچ کشوری مجاز نیست قانونی توسط پارلمان خود وضع کند که به موجب آن پهواند به طور مثال برده داری، نسل کشی، آدم ربایی، کوروسیم یا مواردی از جنایات حلیه بشریت را «مجاز» نماید؛ به این معنا که احتمال مذکور به موجب تصویب نهایی پارلمان، به شکل «قانون نمود بالغ و نسل کشی قابل تعقیب مازد چند قوانین امروزه در هیچ کشوری وضع نمی شود زیرا «منع بین المللی» دارد و اگر قانونی در این موارد وظیع شود- مثلاً برده داری را مجاز نماید- آن قانون بلافاصله مخالف شود و برای وضع کنندگان و کشور را بند آن قانون، «مسئلولیت بین المللی» ایجاد خواهد کرد. از طرف دیگر، «قانون» برای پاسداری از حقوق، آزادی، امنیت و سلامت چنایه است، به همین دلیل، قانون امت است که رفاقت‌های محل خانصر فوق را و جرمها می خواند و مرلکیان آن رفاقت‌ها را « مجرم» و از آنجا که مجرم حقوق و امنیت و سلامت جامعه را نیز پاکی می کند وی را «قابل تعقیب» می شمارد بنابراین،

# نقش همراستایی منافع در پایداری اجتماعی

ایجاد سیستم اجتماعی پایدار بی شک اکثر بزرگترین دغدغه فعالان اجتماعی در افغانستان میباشد. ایجاد جامعه پایدار وظیله سیاستمداران است که در افغانستان تاریخ در مورد توانایی آنها به شک و تردید غنیگرد اما تعریف سیستم اجتماعی پایدار و تعریف گزینه ها، نهادها و روابط و روشها به طور مسلم از وظایف روشنگران و متخصصان این جامعه است، در دنیای سیاست بدليل رثبات در گسب شخصت تقدیس و اقتصاد بسیار کمرنگ میشود بلکه در دوران گذار از منافع تعریف شخصی در دست نیست، به عبارت دیگر قاترند شخص است. طوریکه سایر اصول را در این مقطع تابعی پایمال میکند و اینگونه اعتماد جامعه به دنیای سیاست برای ایجاد یک سیستم اجتماعی پایدار است. اینجا نقش روشنگران و متخصصان راه گذاشت به این صورت که روشنگران و متخصصان اگر در منافع قدرت ذی قمع باشند برای تعریف نهادهای اجتماعی و کار کرد آنها برای جامعه و همچنین برای قادر ترداران و دنیای سیاست قابل اعتمادترند. این فقط یک دلیل و اوضاع برای تکمیک و تهادیه شدن نقش روشنگران و متخصصان در جامعه است.

چگونه این امر امکان پذیر است؟ تکبک وظایف روشنگران و سیاستمداران و مرزبانی بین آنها چگونه میسر است و چرا پاید صورت گیرد؟ این خود بخش است و مجملی من طلبد که ما در اینجا تصد پرداختن به آن را تداریم بزرگترین وظیله روشنگران در گام نخست برای تعریف جامعه پایدار چیست؟ آیا اصل ایجاد جامعه پایدار منافع ملی است؟ چگونه میتوان تعریف جامع و راه حل صلح برای حصول به آن پیدا نمود؟

در هقاله من برآنست که نقش منافع و کیفیت آن در پایداری یک سیستم اجتماعی مورد کاوش قرار گیرد



## ❖ منفعت در جامعه

منفعت لذت است یا معنای روشی که افراد مختلف با قرهنگ های متفاوت از آن تعبیر متفاوت دارند. بر معین انسان در برخی جوامع اصل محوری برای رهیابی به عذر در چهله هواهنگ فردی شمرده می شود اما در جامعه ای دیگر بار منفی به همراه دارد تا جایی که منافع شخصی معلوم شرده می شود اما آنچه که کمتر جای تردید دارد آن است که انسان در ذات خود به نحوی منفعت طلب است، به طور مثال انسانی را که در مبانی عرفانی ذوب شده را در نظر بگیریم، اگر به لایه های روشنی او قادری دلیق گردیدم، در میایم که این شخص به نحوی منافع "نمود" و در بی خودی و خواست عرفانی یافته است، سلاما با این دیدگاه دیگر منفعت صرف به "منافع مادی" اطلاق نمی شود و با معنای خود را به صورت تام به همراه دارد. اینکه منافع مادی معلوم است و سایر منافع مشروط است پس جای بحث دارد، هر اکه یک منفعت سیاسی (با صرف معتبری و غیر مادی) می تواند منفع یک ناهنجاری و پژوهش زدن تعادل اجتماع شود.

و حقی که به سقوط ایجاری منفعت در روابط اجتماعی ای بر دیدم، این سؤال پیدا می شود که چه هنگام منافع مشروط پیدا می شوند؟ و چه کسانی با چه ضوابطی به منافع مشروط منفعت؟ همچنین نیاز است تا کسانی "روابط و کیفیات منافع" را برای جلوگیری از برخورد منافع و "حفظ تعادل سیستم اجتماعی" نبین کنند.

## ❖ تبیین ووابط و سطوح منافع

سطوح مختلف منافع در اجتماع افغانستان در شرایط گذار جبارتند از: منافع فردی، منافع قومی و ترددی، منافع مذهبی، منافع ملی، البته سطوح دیگری نیز قابل برخندان ولی برای حفظ سادگی متنبه به معین ها بسته می کنیم. این سطوح مختلف منافع در واقعیت کوچی جامعه افغانی در بسیاری مسائل باهم در تضاد بوده و این تضاد منافع منجر به

نایابداری اجتماع افغانستانی می گردد، مثال عملی آن رکه ما در جنگهاي داخلی نرس تعریف  
شاید جالب باشد که در همین جنگها

شغفت های متعدد شدند که در سطح قوه  
قهرمان بودند و در سطح ملی متفاوتاند و این به  
دوشنبه تقویای تهدید متفاوت و همه‌لین تمدن بودن  
مفهوم ملت در افغانستان متفاوت تا همچنین به  
پوادشت بلده در این دهان هیچ قهرمان ملی ظهر  
نکند.

راه حلی که برای پایداری سیستم اجتماعی در این شرایط به  
الدیله تجیگان ظهور کرد این بود که مقور منافع را در  
قرنهنگ جنگی، زناه کنند و تمام ملت را دور منافع ملی گردد  
هم آورند. به وضوح این یک راه حل منطقی است اما دستیابی  
به آن شاید بسیار مشکل بوده و نیاز به زمان دارد. شاید  
مهمنترین سوال برای جامعه روش تکرار افغانی اکون این باشد  
که چهگونه بیرون از این مهم در کوته فری زمان سکن دست  
پافست؟ تصدیق مادر این مقاله دادن باسخن کوتاه و روشن به این  
سؤال است.

ما از واقعیت وجود منافع در سطوح مختلف و اسکان  
تضاد آنها و نایابداری کردن سیستم اجتماعی سخن گفته‌یم  
همانطور که منافع میتوانند در تضاد باشند می توانند هم راستا  
گردند و درست نتیجه عکس پنهانند.

هالکس ته منافع در سطح مختلف با هم مهاده  
شده یاکه منافع شخصی و قومی نه تکه به  
تضییف منافع ملی و ملت نمی‌الهاده بلکه به  
عکس باعث تقویت آن می‌گردد.

در این شرط است که یک قهرمان قومی در همین زمان قهرمان  
ملی می شود.

پردازیده "دهکده جهانی" برای حفظ ثبات جهان این امر اهمیت پیدا میکند (در صورت فرستادن در مجالی دیگر به آن خواهیم پرداخت)، در ادامه بحث خواهیم کرد که نهادهای جامعه به نقشی را در همراهانی منافع و نیسن جامعه پایدار بازی می کنند

### ❖ نقش قانون کنوان امن طور امنی جامعه پایدار

الافتسانان شاید یکی از بزرگترین آزمایشگاههای تاریخ در زمینه علوم اجتماعی باشد به این معنا که آنچه در تئوری متز پیر خلق تمرد ما اتفاقها آن را در جامعه خود به گراحتنی بینا بدیگر آزمایش گذاشته است. یکی از این مسائل حلم وجود قانون موثر در افتسانان یا وجود قانونی بدون توجه به همراهانی سطوح مختلف منافع در اجزاء جامعه می باشد خوشبختانه قانون اساسی کشوری لاحد تردد این مهم را در نظر گرفته است. یک قانون با قراردادن سطوح مختلف منافع در تضاد یکدیگر می تواند جامعه را متزلزل کرده، برایند تبروی جامعه را تضمیف کند و قانونی دیگر با هسر کردن منافع می تواند از خلاکتر برایند تبرویها برای حرکت جامعه سود جوید. لزومی دیگر وقوع به مدد قانون منافع همسو شدن به طور همان پیگیری یک منفعت قومی با شخصی در چهارچوب قانون دیگر جامعه را نگران نخواهد کرد چراکه پذلین همسو بودن آن با منافع ملی به سود کل جامعه خواهد آنجامید، به هیارت دیگر، قانون به منفعتی مشروطیت می پختد که در راستای منافع همچو است.

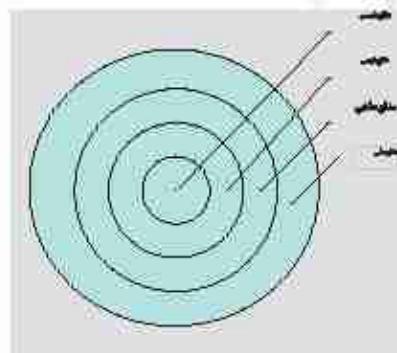
به مدد جمهوری این امر دست یافتنی است، چرا که قانون کنوان از لایه های مختلف جامعه و احتمالاً از تنبیگانی با قدرت انتخابیان می باشد که حفظ پایداری جامعه بزرگترین دقده آنها می باشد. انشالله که اینگونه است.

قدار

۱۲۹۷۰۰۵

برای همراهانی کردن منافع باید سطوح مختلف آن توسعه روشنگران تعریف شده، اولویتها مشخص گردیده و از آن فرهنگی منافع گردیده و در جامعه تبلیغ گردد. برای روشن شدن موضوع مثالی را بررسی می کنیم

من خواهیم اولویتهای سطوح مختلف منافع برای هم راسته هدف را تعریف کنیم چهار سطح منافع فردی، منافع قومی و زادی، منافع ملی و منافع ملی را در تقریبیم و تعداد زیر را رسم می کنیم:



به طور ساده تمودار بالا اولویتهای منافع را در سطوح مختلف معلوم می سازد منافع ملی در اولویت نخست، سایر منافع را به صورت زیر مجموعه های خود به رسمیت می شناسد، لذا سایر منافع خود را باید با آن همراهانی مجاز نداند چرا منافع ملی باید در درجه نخست قرار گیرد؟ برای بسیاری از اجزا سیستم اجتماعی (الفرد جامعه) دلیل آن روشن و واضح است اما برای بسیاری دیگر باید فرنگ سازی و تبلیغ گردد. شاید یک جواب مختصر، واضح و روشن آن باشد که در صورت تأثیره گرفتن منافع ملی، منافع دیگر تأمین نمی گردد همانطور که در دوران جنگ داخلی ما تجربه کردیم پیگیری سایر منافع باشند در نظر ناشت منافع ملی در نهایت به از دست دادن منفعت چشمی و نایابی مفهم ملت می آیندند که به قیچی شخص، قوم و ملیتی نیست. همین قضیه را میتوانیم در سطح جهان پست دهیم و پیگیریم که منافع ملتها باید با یکدیگر همراهانی گردد تا منافع جهانی شکل گیرد. خصوصاً با غلوب



# فرهنگ غرب حقوق زنان و دفاع از حقوق زنان



که کارخانجات و کارگاههای متعدد تأسیس گردند و صاحبان کارخانه‌ها تصمیم گرفتند از وجود زنان هم استفاده ببرند. در این دوره بیرون رفتن زن از خانه و پیدا کردن کار در کارخانه‌ها به او وجهه و اعتبار می‌بخشد. زن توان به حلت انتقال در کارخانه‌ها و کار نکردن در خانه از نظر جسمانی از پیشینان خود غصیف تر گردید و از هادر شدن گریزان گشت. در این دوره ها بود که در کشورهای غرب دم از تساوی حقوق زن و مرد می‌زدند و زنان به این پادرویی مبتدا که این حرفا در مرزهای جنسی متوقف می‌شوند، مردان سود جو در جامعه آمریکا و اروپا یا شعار فریبته تساوی حقوق زنان با مردان در واقع اهداف منظم و حساب شده‌ای را دنبال می‌کردند و اسلام بیان کرد که زن مانند مرد انسان است و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد چنان‌ویله تقدوا، و بیان کرد که این فخر را متوجه نکنید و با آنها بدرفتاری ننمایید، مرد سالاری نباید در جامعه باشد.

اسلام در حين اینکه زنان را به حقوق انسانی شان آشنا کرد و به آنها شخصیت و حریت و استقلال داد، هرگز آنها را به تمد و عصیان و طفیان و بدینه نیست به جنس مرد وادر نکرد. زنان را به شوهرهای و مادری و تربیت فرزندان بدینه نکرد. پسر و دختر، هر دو را از نظر اتصادی استقلال داد. از دیدگاه اسلام ثالثین بودجه کانون خاوراگی و از آن جمله مخارج شخصی زن، به عهده مرد است. و اگر فرض این دارای تروت هنگفتی بوده و چندین برابر شوهر دلوایی داشته باشد؛ ملزم نیست در این بودجه شرکت کند، زن و مرد به دلیل این که بکی زن است و دیگری مرد، در جهات زاده مشایه یکدیگر بیستند.

زن در العده غرب مانند سایر اجتماعات جزو جامعه انسانی محسوب نمی‌شد و هیچ گونه وزن اجتماعی نداشت و معامله ای که با زن می‌شد همان معامله ای بوده که پسر با یک حیوان زبان پسته می‌نماید. زن تا در عاه پسر یا یکی از اولیای خود بود ملک خالص عده بود و مالک چیزی نبود و زن برای شوهر نیز میلان شهرت‌رانی بود که نیازمندیهای شهرت با او رفع می‌شود. مرد می‌توانست هر قب دنبال فحشا برود اما زن تا هنگامی که مردش او را رها نکرده بود، حق چیزی کاری را نداشت. شاید بیوان گفت که یعنی از همه جمله یهود و نصاری این حقایق را تروع می‌گردند که زن انسان نیست، برذشمی بین انسان و حیوان است و... در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی سعی در محصور گردن زنان در خانواره و محروم تسویه آنان از سایر نشانها بود و زن متأهل به موجودی ناتوانی بدل گردید که هر عملی را بدون اجازه همسر و یا دادگاه انجام می‌داد، به هیچ انگاهی می‌شد. در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی مشاخصی مثل پزشکی و جوانی و — در همه جا از آنها به قدر گرفته میشد. در قرن ۱۸ سرمایه دارانی پیدا شدند

به همین دلیل ایجاد می کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات ها وضع مشابه نداشته باشد.

در دنیا طرب اکtron سعی می فرمد میان زن و مرد از تهاجم قواین و مقررات و حقوق و وظایف واحد و مشابه بروجود آورند و تفاوت های غریزی و طبیعی را تا حدیده پگیرند. با توجه به وضع طبیعی و احیاجات جسمی و روحی زن هرگز نماید حلقو مساوی با مرد پیدا کرد. زنان در جامعه افغانستان از آزادی کمتری بهره می برند و زیر سلطه مردان قرار گرفته و از کشور حقوق خوبیش هم بهره چندانی نمی بردند. در زمان حکومت های گلشن از طرف دولتها و قوه حکومتی برای زن در قانون های اساسی قائل شده بودند ولی این حقوق از آنان سلب می شد. خصوصاً در زمان حکومت ظالله احمد ساله طالبان که حتی زنان حق پرورد رعایت از خانه و زدن به حمام را هم نداشتند. اکtron پس از فروپاشی طالبان عده ای به نامهای آزادی و حقوق زن و دیگر نامها می خواهد رعایت حجاب را کم رانگ کنند.

حکومت های موثر در روند پاکسازی و آزادی افغانستان به هر تحری که بتوانند می خواهند با تهاجم فرهنگی به میان خود زنان افغانستان را مانند جوامع طرس آزاد یگلزنند و به سهیل خوش برای آنان آزادی را به ارائه می اورند و به شکل های مختلفی می خواهند آموزش بین جهانی را به جامعه افغانستان تحمیل کنند که البته با هوشیاری علما و مردم متدين افغانستان و همچنین با همت ولا و فیضت زنان افغانستان ترطیبه ها انشالله خستی خواهد شد.

# طبی خودکامگی په صادر آمد

آزادی زنان یکی از مهمترین دستاوردهای قابل انتظار افغانستان در پنج سال اخیر است اما این آزادی اکtron با جالش هایی جدی روپرداخت.

قرب پیکار است که دولت افغانستان رفشار خود در قبال رسانه ها را تغییر ناده و شیوه ای محدود کننده در پیش گرفته است. از اظهار نظر های انتقاد آمیز مقامات حکومتی علیه رسانه ها تا اعلانیه ریاست حکومی امتحن می و تا تهدیدها و احصال فشار های دیگر برای محدود کردن آزادی

وزارت اطلاعات و فرهنگ که ظاهراً ملائمند لغو کمپیومن سمع و شکایات و کمپیومن ملی نشرات رادیو و تلویزیون و آزادی پاکت و ایجاد محدودیت های بیشتر در کار رسانه هاست، حتی متنظر تصرب قانون رسانه ها تواند و با تعطیل کردن کمپیومن سمع و شکایات و ایجاد تغییر و تبدیل در ساعت اداری رادیو و تلویزیون علاوه بر مقادیر قانون رسانه ها که هم اکtron تأثیر و جاری است، پشت پا زده است.

یان همگی علام پیشوایش و علمور خصلت های خود کامگی در حکومت افغانستان است. خاید طیعت حکومت ها انتقام کند که به اقصار و کتروول پیشتر امرد نمایل نشان دهد و انداماتی را برای تضییع نهادهای ظاهر و متقد بر خود اتخاذ کنند اما همواره قوانین و تعهدات ملی و بین المللی باخت



تصویب و کلای ولسی چرگه برسد، فرمیه هولناتکه بر کار آزاد رسانهها وارد خواهد آمد، حدف کمیسیونهای سمع و شکایات، کمیسیون ملی نشرات رادیو و تلویزیون و آذانس پاپخ تها به معنای حلت نهادهای مدائع آزادی یان و حاصی زورنالیستان نیست بلکه حاکی از رویکرد جدید حکومت برای کنترول بر رسانههای ملی و تبدیل کردن آنها به ایزار تبلیغاتی حکومت از یکسو و به اهتزاز در آوردن تبر ساتسور بر فراز سر رسانههای آزاد از سوی دیگر است در این انشای محدودات مسوده جدید قانون رسانهها، نهادهای صنی روزنامه‌نگاران و مطبوعات کشور یک سلسه للاش های قدرهای انتقام دادند که تابع ملعوس داشت و ظاهراً باعث شد که شایند گان مردم برخی تحدیلات جدید در متن مسوده قانون رسانهها به وجود آورند، چنان که آنای محقق رئیس کمیسیون امور دین و فرهنگی پارلمان در مصائبها به این موضوع اشاره کرد، احتمال رجه و می‌رود که وکلای محترم مجلس شورایی ملی مخصوصاً اضای کمیسیون علمی، فرهنگی و دینی مجلس، با توجه به این که اکثرآ خودشان دارای رسانهای آزاد و غیردولتی هستند، نسبت به موارد تشویش پرانگیز در قانون رسانهها توجه کنند و نگلارند که قضای آزادی یان در کشور محدود و نسکنیر شود.

روزات اطلاعات و فرهنگ که ظاهراً ملائمه نظر کمیسیون سمع و شکایات و کمیسیون ملی نشرات رادیو و تلویزیون و آذانس پاپخ و ایجاد محدودیت‌های پیشتر در کار رسانههاست، حق متظر تصویب قانون رسانهها نمانده و با تعطیل کردن کمیسیون سمع و شکایات و ایجاد تغیر و تبدیل در ساختار اداری رادیو و تلویزیون

می‌شده تا حکومت‌ها حداقل طلاقه را رعایت کنند و اقدامات شود برای تفصیف و یا بر اثر ساختن نهادهای ناظر بر اعمال شود و تحت پوشش‌های قبر محسوس و اتفاق کننده تجام دهد، حکومت افغانستان اما هیچ ایامی ندارد که آشکارا قوانین را تنفس کند و آزادی یان را پشتکند، قانون اساسی و قوانین نائله کشور، زمینه و مستر مساعدی را برای یان آزادی افکار و گردش آزاد اطلاعات در جامعه ایجاد کرده و جایگاه و محدوده وظایف، حقوق و مسئولیت‌های رسانهها و روزنامه نگاران را مشخص ساخته است تا همانگونه که قانون اساسی با همه ویژگی‌های مشتب و برق، در مرحله ابرا با کلستی‌های صوره است قوانین دیگر از جمله قانون رسانه‌ها هم حمله با پالش‌های مواجه است.

آگاه شدن حکومت از نقش رسانهها در روشنگری اذهان عمومی، انشاگری و بر ملا کردن شخصهای بی‌کفایه، شهادت‌ها و سوء استفاده‌ها، سبب اقدامات تازه و تشویش آوری برای آینه آزادی یان و قابلی آزادی رسانهها در کشور از سوی حکومت شده است.

در تاریخ ۲۸ اسد سال جاری، رئیس جمهوری در بیانیه‌ای که به مناسبت این روز ایجاد کرد، با تقدیر شدید از رسانهها گفت که دولت در قبال رسانه‌ها بی تفاوت نخواهد ماند و اقدامات مقتضی را در این خصوص انجام خواهد داد اگرond معلوم می‌شود که حکومت آقای کرزی به این تهدیدها جامعه عمل پوشانده و برای محدود کردن فضای آزادی یان اقدامات گسترده‌ای را روی دست گرفته است، یکی از این اقدامات محدود کردن آزادی یان در مسوده قانون جدید رسانههاست که هم اکنون در مجلس شورایی ملی تحت بحث قرار دارد در این مسوده، تغییرات نگران کننده‌ای ایجاد شده که اگر به

انتقامگویی از رسانه‌ها و غشایر دادن هر چه بیشتر گلری آزادی بیان در کشور است. یکی از اقدامات تاثیر برانگیز حکومت و عربیابان امور فرهنگی و اطلاعاتی، ایجاد شفاق و اختلاف در میان رسانه‌ها و تضعیف و تشتت نهادهای صنفی روزنامه‌نگاری است، دامن زدن مسائل قومی و سنتی و صفت پندی رسانه‌ها بر اساس وزیرگی‌های لسانی یکی دیگر از شیوه‌های اعمال سیاست حکومت در قبال رسانه‌هاست که یک پار دیگر در تاریخ استبدادی افغانستان، فرموده شد: می‌باید

صلاله به مقاد قاترون رسانده ها که هم آکتون ناقذ و جاری است، پشت پا زده است. نصب و تقدیر برخی مسئولان رادیو و تلویزیون ملی بدون هماهنگی با رئیس همومی این رسانه که گفته می شد از حمایت رئیس جمهوری برخوردار است، اخراج دعها تن روزنامه نگاران، هژر متنهای و نوشته های از رادیو و تلویزیون و اینجاد یک فضای هراس آوار در این رسانه این احتمال را فرات بخشیده است که وزیر اطلاعات و فرهنگ بدون لشاره و هرجای سیز دلیس جمهوری به این تقدام میادرت نتواند  
است.



چای تأسیف است که تعدادی از رسانه‌ها، زورنال‌های اسلام و  
برخی ملحدان آزادی بیان و حقوق رسانه‌ها در قبال این  
الدالات حکومت نه تنها هیچ واکنش نشان نمی‌دهند بلکه نیز  
علم حکومت دو دسته می‌زنند و در جدال میان حکومت  
و رسانه‌ها چاچت حکومت را می‌گیرند در صورتی که  
نهادهای صنفی روزنامه‌نگاری که ولتاً به اساسات آزادی بیان  
و ضرورت سهیان آزاد اطلاعات در جامعه یاور دارند و خود  
را مدافعان حقوق و آزادی‌های زورنالیستان کشور می‌دانند و  
اگر تمام رسانه‌ها و زورنالیستان آزاد و فعال را نگیرند و هاشمی  
کار رسانه‌ای در پرایر این الدالات محدود کنند، متحمله و  
یکپارچه ایستاد شوند و حکومت در پالیسی خود برای ایجاد  
تفرقه و چند پاره‌گی دو میان رسانه‌ها موفق گردد، آینده  
آزادی بیان در مقام انسان یا چشم‌اندازی تبریز و خواهد شد  
تا کنون آدمیان قلم و تعصباً از نهادهای صنفی از جمله اتحادیه  
علی زورنالیستان افغانستان در واکنش به الدالات حکومت  
برای خنثه کردن و کفتن آزادی بیان، اقدامات غافلی انجام  
داده‌اند و هدایت خود را باشد کرده‌اند، این میانها باید روی چند  
قریبتر و توسط تمام نهادهای صنفی و رسانه‌ای و از گلایر  
تمام زورنالیستان و نهادهای صنفی و روش‌نگری کشیده با درست  
زیادتر برخیزد و همانند موج قوی، تلاش‌های خوبنامه حکومت  
برای دفن آزادی بیان را در خود گرفت کنند

بی سرفوخت ساختن دهها تن از نیروها و استعدادهای جوان کشور که آنکه روش آنها را با دلت و حسابت بسیار شناسایی و برای کار و تولید برنامهای متفاوت و جذاب به توانی بودن جذب کرده است، تنها من تواند بی اختیار مستران وزارت اطلاعات و فرهنگ را به نیروی خلاصه نکری و استعدادهای هنری کشور نشان دهد و مسب پاس و نالیدی جوانان هنرمند کشور از آینده این سرزمین گردد، بسیاری از حقیقت دلورت که گرایش هایی تظییفی، قومی، نسلی و سب و بقیه هایی شخصی در این اقلام مستران حکومی دخالت دللت و خصیصت فرهنگی و نشرانی کشور را یا دورنمای تاریخ و نالیدی کشته روپرتو ساخته است، حکومت افغانستان در دولتی بازی های سیاسی متناول اش، با رسانه ها نیز بازی می کند و در حالی که برخی از عناصر حکومت در چهاره دوست و حاضر رسانه ها ظاهر می شوند و آنها را لفظان می کنند عناصر دیگر سرمهختانه بر آزادی یانه رسانه ها و نهادهای سنتی روزانه هنگاری در کشور ضربه می زندند، حکومت افغانستان اکنون با حلیل گردن کمیسیون بروسی شکایات، یک سیاست پلیسی خشن را علیه آزادی یان در پیش گرفته و یا محول گردن رسانه ها و ژوونالیستان به خارجی و گماشتن لفڑاه سخت گیر و بی اختیار به قوانین آزادی یان در این نهادهای فرهنگی و نشرانی، در واقع در حال



سید ابراهیم صادات مرتضوی

# نگرشی بر تربیت اولاد

آزاد گذاشتن او موجب رضایت خاطرمند می شود. پدر و مادر نباید با می اختیاری خود سه راه آفرینشگی کرد کان گزند برسن های کودکان را بیان نایابی است و هر پرسشی را با رها نگرانی کنند و گامی والدین را به سهی می آورند باید کودک را آزاد گذاشت تا خود یاری بخواهد.

کودک که طلب کنمک می کند به تبریز خود اطمینان دارد او فقط کسی را می خواهد تا در جزئیات، او را کنمک کند لیاز به رفاقت

از ویزگی های رقابت آن است که فرد حس پرتریت جویی دارد و می خواهد ملائی بالآخر از دیگران داشته باشد این ویزگی در کودکان از ابتدا به این شکل ظاهر می شود که اسباب بازی و آبجعه که به خودشان تعلق دارد را از مال دیگران بپیر می دانند

آموزش بیان چالی در مورد قیم برخوردهای کودکان و نوجوانان در میان اسلامی وجود دارد از گفتاری از پیامبر اکرم (ص) چنین بر می آید که تنشیت زیاد همراه با قدرت نمایی و گاه سرگشی در کودکان مایه فزونی حفل آنها فر بزرگی است (۱)

ظرفیت انسان خواهان کمال و فضیلت است اسلام در تربیت کودک و دعوت او به می کمال و فضیلت و پرور شدن، هیچ چیز به نیزه و زور متولی نمی شود بلکه در کسب هنر و کمال توجه می کند تا بین کودکان رقابت ایجاد شود و کسانی که تلاش پیشوی دارند و هنر خود را بهتر آشکار می کنند، مورد لطف و محبت قرار گیرند.

کودکان و ارزش های اخلاقی و معنوی  
مکاتب الهم

## لیاز به خلاقیت و احساس شخصیت

اگر به عنایم روح آفرینشگی را که با کوشش کودک برای ادراک دنیا و پر امانت آغاز به رخداد می کند، مخالفت کنید و کودک را در این احساسات آزاد بگلاریم، او را باری کرده ایم قاتل آفرینش و سازنده بار آید

به عنوان مثال، والدین باید برای بوداشتن اشیاء کودک، از ای اجهازه بگیرند. مانند معرفی که می خواهند روزنامه شخصی پیرگسالی را حلب نمایند در این پرخورد، طفل حس تمکن تسبیت به اشیاء و دادن و پس گرفتن را می آورد احساس مال من، به کودک شخصیت می دهد و ارزش هایی نو در فزندگی او به وجود می آورد که یکی از آنها آفرینشگی و خلاقیت است

برای کودک، یادگیری هر چیز برای نخستین بار و تجربه چیزی که در گذشته مسابقه نداشت است در حکم آفریدن و خلق چیزی تو است در مراحل یادگیری، باید کودک را آزاد گذاشت که خود از میانی کوچک و ناچیز استفاده کرده و به کلیات های پرورد

به هر حال باید در تعلیم ارباط کرد

از امام صادق ع (قبل شده است که فرزند خود را تا هفت سال رها کن لا بازی کند. کودک باید آزاد باشد که با اسباب بازی دلخواهش بازی کند. زیرا این لغزش و شد استفاده و ایجاد حمل کودک و سبب ایجاد نوعی نگرانی شخصیت در او می شود و از آنجایی که کودک همراهی شدیدی به بازی کردن دارد،



از رسول ﷺ گرامی اسلام (ص) نقل شده است:  
"انسان به دین و مسلک دوست و همراهان خوبیش است" (۱)

هنگامی که دوستی فرزندان با من و آداب خانواره همانگی ندارد نگرانی والدین را برسی انجیند در این گونه موارد عمولاً پدر و مادر برای گسترش دوستی مداخله می کنند اما این دخالت ها اغلب تایید نمایند و تنها تیجه محکوس می گردند، بلکه همیز پیشری به آتش شعله ور شده می رسانند در این گونه موارد بعتر است والدین اجازه دهنده تا دوستی ها خود به خود خاموش شوند زیرا هر چند هم که تند و آتفین باشد به دلیل همین تندی و شدت، دوام چنانی تغیر نمایند داشت نوجوان پسیار زود متأثر می شود و به هیلان می آید اما این هیلان ها با همان سرعت نیز طوفانی شنیدند دلار علمی والدین و ارتباط آنان با مشاورین، می توانند در این گونه موارد، مقید و مؤثر واقع شود

نکجه پرخوردهای غیر علمی و لحسانی به خبر و صلاح نیست پیامبر (ص) این فرمایید عزیز کس بر اساس هلم دلار نکند، لسانی که ایجاد می کند یعنی از اصلاح است (۲)

اوسائل، ج ۸ ص (۴۳۰)

لائحت المخلوق م (۴۶)



### لیاز به دوستی و رفاقت

در پایان سال سوم یا چهارم، همکاری میان کودکان افزایش می یابد کودکان هر چه پیشتر با کودکان دیگر تماس داشته باشند و با آنها بازی کنند، زودتر رله همکاری را فرامی گیرند رفاقت در روح همکاری میان کودکان در دوره نویشهای تأثیر زیادی می گذارد بنابراین هرچه رفاقت مستحکم تر باشد، همکاری و مشارکت پیشتر می شود

بوجه ما از حسود یازده تا شانزده سالگی به بعد اغلب ناخود آگاهات، تصاویر فهنه والدین را، به علت تشدید غرایز طود می کنند یا به دلیل نخاوت و تفاه در ارزشها، آگاهات در برایر خانواره می ایستند نوجوان در این مسیر به واسطه حل های متصل می شود این واسطه حل ها پیشتر به شکل یافتن جانشین برای والدین برورز می کند و آن دوستی به همگان است دوستی با کسی که با همان شکست ها و تردیدها، ملشان ها، اختیارات ها و حلقوه ها و همان تشریش ها رو به رو است و نهایتاً همانند مازی با کسی که انسان، خود را در او می یابد

از حسود یازده سالگی به بعد، این دوستی ها محکمتر و به خصوص جنبه انتقامی آنها پیشتر می شود یعنی کودک به گزینش دوستیش می پردازد این عستله بخصوص در دوره پلرخ است که ریشه عصیتی می یابد و باعث و هیجان تراویم می شود داشتن دوست برای نوجوان نشانه ای، اعتماد به نفس است به همین دلیل در صورت گسترش پیوست دوستی، شخص نسبت به ارزش های وجود خود دچار شک می شود در واقع دوستی در آغاز تحریری همچون آینه ای، تصویر اطمینان بخش قردا به او باز می گرداند

به لحاظ تأثیر زیاد دوست و همینها، در اسلام مصاحب و رفاقت با افراد نلایاست نهی شده و به ایجاد روابط دوستی با افراد صاحب کمال و معرفت سفارش شده است تأثیر مثبت یا مطلق دوستی، بخصوص اگر به مدت طولانی باشد تا آنچه است کسی می تواند کیش و مسلک را تغییر دهد

# در ایران

## افغان

از کارگران  
استفاده  
نهادویت

سکوه آمیدوار

و این وزارت خانه برای آنها پروانه کار شش ماهه خواهد  
خواهد کرد.

به مکمل این دادیویی در این زمینه توجه فرماید  
آنها هزار افغان پروانه کار دارند\*

محمدحسن صالحی مرام، مدیر کل اشتغال ایام خارجی  
وزارت کار ایران به خبرگزاری ایستا گفت: سه میلیون  
افغان در ایران زندگی می کنند که تنها حدود ۹۰۰ هزار نفر  
آنها مجوز اقامت دارند و از میان آنها تنها هزار نفر آنها  
پروانه کار دارند.

صالحی مرام دولت ایران تیم هایی تشکل از وزارت  
کشور، نیروی انتظامی، دادستانی، وزارت بازرگانی و  
بازرسان وزارت کار تشکیل داد. این تیم ها از ششم آبان ماه  
به مراکزی که گمان می رفت در آنها ایام افغان بدون  
مجوز مشغول به کار باشند مراجعه کردند. وظیله این تیم ها  
اخراج کارگران بدون مجوز کار بوده است.

معاون وزارت کار پیشنهاد کرده لایهای سال ۵۰۰ هزار نفر  
از ایام غیر مجاز افغان از ایران خراج شوند.

الرایش شمار افغان ها

ستگیری های دولت ایران برای اخراج کارگران افغان در  
سال های گذشته نیز وجود داشته اما به نظر من رسید این  
ستگیری هایی نتیجه بوده است.

چیزی از کارفرمایان به خاطر دستمزد پایین تر کارگران  
المقام، آنها را استخدام می کنند  
وزارت کار ایران تمهیلاتی برای کارفرمایان ایرانی در نظر  
گرفته تا آنها را از به کار گیری کارگران افغان که به صورت  
خیر مجاز در ایران کار می کنند، متصروف کنند.

این وزارت خانه برای تشویق استخدام کارگران ایرانی به جای  
کارگران افغان اعلام کرده اگر کارفرمایان یا اخراج  
کارگران افغان کارگران ایرانی را جایگزین آنها کنند حق  
بیمه آنها را تا سه سال آینده دولت پرداخت خواهد  
کرد. علاوه بر این، ظاهرا به کارفرمایان ایرانی تا ۱۵ روز (از  
زمان حدود دستور العمل نازه) فرصت داده شده تا کارگران  
خارجی خود را معرفی کنند و به آنها هشدار داده شده که  
اگر در پایان این ۱۵ روز نسبت به معقولی کارگران خارجی  
خود نقدم نکنند مورد پیگیری قضایی قرار گرفته و به سه تا  
شش ماه زندان محکوم خواهند شد.

از کارفرمایان حواسه شده برای استفاده از کارگران افغان  
دلایل مجوز اقامت، از وزارت کار در خواست مجوز  
کار کنند.

من آنها را با هیچ کارگری عوض تغواصم کرد مگر اینکه مجبور شدم.

این پیمانکار که در حال ساخت ساختمانی شش طبقه است، هم اکنون شش کارگر افغان دارد و از همه آنها راضی است. آنها در همان ساختمان در حال ساخت زندگی می کنند و از صبح تا شب کارخان را انجام می دهند.

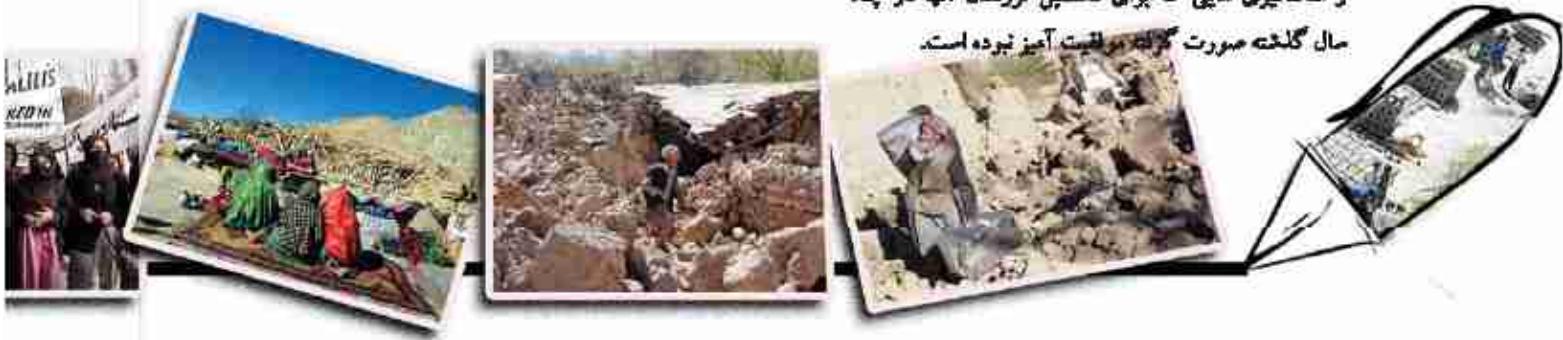
تعداد زیادی از کارگران افغان در بخش ساختمان در ایران فعال هستند

وحشتناک می گویند: من در پروژه دیگری چند کارگر ایرانی داشتم که بعد از مدتی ناچار شدم همه آنها را اخراج کنم چون "بسیار تبل" بودند و دائم در درس درست می کردند.

بر اساس برخی مگاروش‌ها بر تعداد اتفاقات‌های ساخت ایران اضطرابه شده و برخی از کسانی که از ایران خارج شده بودند دوباره بازگشته‌اند

اما دولت ایران که یا يش از سه میلیون یکار دو به روست بر قاعده هایی برای اینجاد ۹۰۰ هزار فرصت شغلی در سال جاری دست اجرا دارد برای همین درصد است با لجران طرح اخراج کارگران خارجی که عمله آنها را کارگران افغان تشکیل می دهند و جایگزین آنها با کارگران ایرانی خود را کمی از فشار بیکاری برهاند.

مشکل دولت گسترده‌گی حضور افغانی‌ها در ایران و شغل هایی است که آنها در گروه کنار این کشور به صورت قریبی دارند. این مسئله ایرانی طرح اخراج را با مشکل مواجه خواهد کرد برخلافه های جمع آوری و اخراج افغان‌ها و سلطک‌گیری هایی که برای تحصیل فرزندان آنها در چند سال گذشته صورت گرفته بوقتی آغاز نبوده است.



پرداخت حق یمه از سوی دولت برای کارگران ساختمانی از نظر این پیمانکار بخش خصوصی چنان‌می‌نمی‌بیند چون حق یمه مبلغی نیست که پیمانکار تواند آن را بیدارازد وی می‌گوید موضوع کارایی کارگران افغان است که از دید دولت پنهان مانده است.

بر اساس مگاروش‌های منتشر شده، تردیک ۱۵ درصد کارگران شهرداری تهران را افشاها تشکیل می دهند که تعدادی از حدود سه هزار نفر است و بیشتر در بخش خدمات شهری کار می کنند که در دست پیمانکاران بخش خصوصی است.

کارفرمایان ایرانی ترجیح می دهند از کارگران افغان استفاده کنند که هم خوب کار می کنند، هم حقوق کمتری می گیرند و هم مشکلی از بابت یمه و مالیات ندارند.

#### کارگر افغان؛ انتخاب اول

سوق دولت برای پرداخت حق یمه کارگران ایرانی در صورت جایگزینی با کارگران افغان ممکن است پیشنهادی و سوسه‌الکیز به ظهر بررسد اما برخی پیمانکاران می‌گویند همچنان کارگران افغان را فرجیح می دهند.

رحمت یکی از پیمانکاران ساختمانی در شرق تهران می‌گویند کارگران افغان کارخان را درست آنچه می دهند و

هشدارهای بی دری مقامات ایرانی، منع به کارگری کارگران افغان قاچق مجوز و تعین چربه های سنجین تاثیر چندانی بر سطح اختلال آنها نداشت و نتوانست نظر کارفرمایان ایرانی را در استفاده از این نیروی کار ارزان تغییر دهد.

حضور مهاجران در فعالیت‌های پوش خصوصی به خصوص در شهرهای بزرگ چشمگیر است.

پوش دولتی ایران نیز در استفاده از نیروی کار مهاجران سنجگیری به خرج نمی دهد و از آنها در طرحهای مختلف صنعتی، راهسازی و نیرو استفاده می کند. ارزان بودن نیروی کار و مستول نبودن کارفرما در هنگام بروز حادثه از جمله دلایل به کارگری این نیروهاست.

کامران داشجو استاد ایران تعداد افغانی‌های ساکن استان تهران را ۷۰۰ هزار نفر برآورد کرده و گفته است که ۲۰۰ هزار نفر از آنها به صورت غیر مجاز کار می کنند.

به نظر من و مید پخش خصوصی ایران در استفاده از کارگران افغان تردیدی ندارد ولی اگر محدودیت های دولت مشترک شود ممکن است پخش خصوصی ناجاگر کارگران ایرانی را جایگزین افغانها کند.

رحمت می گوید: "چربه استفاده از کارگران افغان را خواهد پرداخت اما استفاده از کارگران افغان ارزش زندان را نخواهد داشت."



از سال ۱۳۹۱ و با تشکیل دولت مرکزی در افغانستان، ایران بر نامه انتقال مهاجران را در مستورد کارفرماده و در قاصله کرتاهی حدود دو میلیون نفر از آنها را برگردانده است اما آمارهای تازه حکایت از آن دارد که تعداد افغانی‌های ساکن در ایران بیشتر شده و برخی از آنها غولابه به این کشور باز گشته‌اند.

با وجود هنگست اکثر طرحهای ایران برای اخراج افغانها در طول سال‌های گذشته این سوال وجود دارد که آیا طرح لذمه که در آن مشوق‌های تازه ای برای کارفرمایان ایرانی در نظر گرفته شده، می‌تواند افغان‌ها را ناچار به بازگشت کند؟

#### ابهام در موقفیت طرح

اکثر افغانی‌های ساکن ایران کارهای سخت و سنجین را انجام می دهند و پیدا کردن چایگزینی خاصب حتی با وجود مبلغ از بیکاران در داخل ایران، کار آسانی نیست.

مهاجران افغان در پوش‌های صنعتی، کشاورزی و خدمات فضائل و در دو دفعه گذشته تعداد کمی از مهاجران افغان مجوز کار در ایران دریافت کرده‌اند ولی اکثر آنها شامل بودند هر چند کار آنها در ودیعه کارهای غیر مجاز قرار داشت.



## محمد یوسف اختیار

دشنه تهمیلی: نسان ادبیات فارسی

ملکوب فاطمی: سرپرست افغانستان در مشهد مقدس

سوابق آجرایی: قبل انقلاب / وزارت مالیه دوره

جهاد/نذر کات تخار دوره مقاومت تعلیمی زون شمال دولت

انتقالی/معاونت عمومی اداره امور



محاجبه با  
محاجبه با

گویا  
بـ  
بـ

افغانستان

محاجبه با

محاجبه با

کلیک: تعریف مهاجر و مهاجرت از دیدگاه شما چیست؟

- همانطوریکه شما بپرسیدند مهاجرین افغان در ایران وسایر کشورهای بین المللی مهاجر مستلزم قبول مهاجر یک چیز بسیار روش نیست به کل جهانیان که افغانستان مردم تجاوز اراده جماعتی شوروی سابق قوارگفت و مردم افغانستان ناگزیر شده به خاطر حفظ استقلال وارد شهای ملی و تاریخی دینی شدن قیام کرده و علیه تجاوز به پا نهیزد و بهتری که همه چیز مردم افغانستان را تهدید نماید در آن شرایط از یک طرف قیام و لازم شریعه و میراث اسلامی به فشاریکه جانب مغلیل که یک ایرانی در جهان بود "سرپریاور" بود در آن دوران در جهان حکومت نمیکرد. یافشار جنگی که بر مردم افغانستان بود چه رزمی همایی بسیج منازعه بازیزین رفتن تأمینات انتظامی و آنها ناگذیر شدند که هجوم روایورند و این مصلحته به کشورهای همسایه نبود بلکه کشورهای دیگری را نیز در بر میگرفت ولی نشاری شتر آن بر دو کشور همسایه ایران و پاکستان بود.

کلمه مهاجرت به معنی کسی که بمقابل قیام و دفع تجاوز و مقاطعه با حکومت پوشانی آن دوره مهاجر شدند

و مرحله بعد این مهاجرت با حضور گروه ترویسم "طالبان" کدام را یافت

کلیک: فرق مهاجر و پناهنده در این لست که مهاجر در پی یک مشکلات "جنگی" خانمانی

و... به کشور دیگر میرود و قیمت پناهنده ثبت اهواز و میون دلت قرارداد

کلیک: پوئامه بازگشت مهاجرین به وطن چنگله هجام خواهد شد؟

با تأسیس حکومت جدید در کنفرانس بن مسنه عودت مهاجرین به خانه ها و آتشش گرم خانوار اند هایشان قیصه یافت تا در اوتوت کاری جانشی قرار بگیرد که این بروزه آغاز شد در آغاز اداره موقعت از ایران بیشتر از حدود ۳ میلیون مهاجر مراجعت کردند ولی تعدادی کا به لبروق باقی مانده اند.

بنایه کمپریها و همچنان قاجهه ای که در افغانستان به وقوع پیوسته و مردم افغانستان با گفشت و پیوست آن را انس میکنند و با درنظر گذاشت تمام مسائل فرق امکان عودت و اسکان سریع مهاجرین در افغانستان وجود ندارد که در این قضایا جامعه جهانی و سازمان ملل هم شفاف در سیریان الرأی دارند وهم کشورهای میزبان علی الخصوص ایران ها این وجود مکار است در ماد آنی بالوجهه به برآوری احتجاجات اولیه مالکه خسروت وجود شفایخانه برای اینها، ناخن آب آشاییدنی و مدرسه و... یک قرار سه جاییه هاریم که سال دوبار نشست پیشود که بنایه تصویبات سابق قیصه شده بود که عودت مهاجرین داوطلبانه، تبریجی و محترماته باشد، طبق برنامه های سازمان ملل که در آن بررسی میگردد تا چه تعداد مهاجرین با توجه به ارائه خدمات و امکانات از سری سازمان مدل عودت نمایند.

کلیک: مصاحبه با

محاجبه با

کلیک: نهادیت های دولت افغانستان در رابطه با پذیرش مهاجرین و مشکل اسکان آنها چه بوده است؟

در رابطه با اسکان وزارت خودت افغانستان تیز شهر که های را ساخت و همچنین قطعات زمینهای را در ولایات لوگر، مزار شریف، کابل، هرات، لوگر، بغلان و سایر مناطق افغانستان که مقدور است در ظرف گرفته تا به این مسئله اختصاص دهدواین برنامه جزوی دارد.

تعداد قابل ملاحظه بورسیه در اختیار وزارت تحصیلات عالی افغانستان از سوی دولت ایران قرار گرفت، که از طریق دولتین مستقیماً در اختیار تحصیلات عالی قرار خواهد گرفت و برخلاف سوابع گذشته که پادتی و فنا تنظیماتی صورت پذیرفته بود در این مسئله به تناسب قومیت ها به تمام ولایات توزیع میگردد تا در حق هیچ شخص یا قومی اجحاف نشود.

کلیک: در مورد طرح هایی که در ایران درقبال مهاجرین صورت میگیرد وهر از چند گاهی دیده میشود نیروی انتظامی الدام به جمع آوری مهاجرین میگذرد چه توضیحی دارد؟

در رابطه با پرخورد دولت ایران با مهاجرین افغانی ابتدا باید به این مسئله توجه کرد که مهاجرین افغانی به دو گونه ای تشیم میشوند گروهی که در طرح شناسایی هاییش سال ۲۰۰۰ شرکت کرده که تمام برنامه هایی که در مرح ۳ چانه طرح ریزی گردید شامل این گونه ای میگردد و باز گشت آنها به صورت داوطلبانه متوجه و آبرومندانه با توجه به وجود امکانات خواهد بود لاما گونه ای دوم شامل افغانی هایی میشود که لاله مدارک میاشند، معطیات و پروگرامهای که برای فاقد مدارک صورت میگیرد از نظر قانونی حق دولت ایران است و آنها میتوانند برای تامین امورشان استاد اتباع خارجی را رویت و ارزیابی نمایند و لی در قبال مهاجرین دلایل مدارک چنانچه مدارک همسایه شدن نباشد و به اردوانگاه انتقال بایند به محض لرده مدارک موصوف یا مراجعته به مراجع ذیصلاح، مهاجر به منزل خودت داده میشود، و در این زمینه خواهش من از هموطنان این است که در هر کشوری هستند اوقاتیں و مقررات آن کشور را محترم بشرمند و روحانیت بنمایند و همچنین استاد لافرنسیان را به همراه داشته باشند، هموطنان گرامی از آمدن بصورت تجاوزی صد درصد خود داری بنمایند چنانچه بخواهند آبرومند باشند و با آنها به صورت محترمانه و محترم شود حتماً به صورت قانونی وارد شده و چنانچه وقت ویزا (روادید) کشان به اتمام رسیده، حسنه نسبت به تبدیل آن اقدام فرمایند.

محمد یوسف اعتبار

M.Yousof Elitebar

کلیک: آیا دولت افغانستان بوای بروند رفت از مسئله بازگشت مهاجرین پادولت ایران به توافق رسیده است؟

هذا گرات سه جایه ای در ماه جدی با خودت در مشهد صورت میگیرد که موضوع آن شامل بررسی وضعیت مهاجرین و بروند رفت از این مشکل و سفر سازی برای لمکان بازگشت کامل این به صورت محترمانه و داوطلبانه با حمایت کمیسیونی مل متحده میباشد که کلیه تصالیم گرفته شده درین میزگره و از طریق رسانه هایه

مهاجرین افلاع خواهیم داد

# تعریف در هفت

## و اصطلاح

### بازی و آنها

#### بازی تحریف

#### تعریف در هفت :

تعریف الشی به معنای کشاندن و کنار زدن و جایجا کردن آن از جایگاه خود به سوی دیگر است که از « حرف الله » به معنای کنار و گزینه ای آن احمد شده است خداوند می فرماید : « و من الناس من يعبد الله على حرف فلان اصحابه خیر اهلان به و ان اصحابه على وجهه » زمحشی در تفسیر این ایه می گوید : بعض ایهان خود را کناره دین جای دهد ته در وسط دین و قلب آن مثل کس که در کناره لشکر حای می گیرد تا اگر بیوی غیروزی و غنیمت به مشاش خورد آرام گیرد و سکوت یابد در خیر این صورت پنگریزد .

در لسان العرب چنین المده است : تعریف گفته از جایگاه خود به معنای تغییر آن است و تعریف قرآن پادین معنامت که مفهم حرف یا کلمه را به معنی که شیوه معنای حقیقی آن است تغییر دهنده ، همانگونه که یهود معنای ورات را به نظایر آن تغییر می دهد به علت خداوند کارهشان را چنین توصیف کرد : پیروزون الكلم عن موافقة اُندر لرهنگه مارسی مسین آمدہ است : تعریف در لغت به معنی کفر کردن و تبدیل و تغییر دادن کلام از وضع ، طرز ، حالت اصلی خوش بسوی طیور آن است .

#### تعریف در اصطلاح

تعریف در اصطلاح به هفت معنا آمده است :

۱- تعریف در عقاد کلام « تحریف معنوی » یعنی تفسیر و تاویل یگونه ای که واژه یا تفسیری که انجام شده همانگ تباشد و صرفا طبق دلخواه و تاویل بشود . اینگونه تفسیر و تاویل و تفسیر به رایی می گیوند .

۲- تحریف موضوعی ؛ پذیرین معنا که ثبت آیه یا سوره بر خلاف ترتیب لزول آن باشد .

۳- تحریف در فرات : یعنی کلمه ای که برخلاف فرات متدابول بین هموم سالمانان تلاوت گردد نموده آن اکثر انجادات قلربان برایی به گرسی شاذان فرات شان می بالند .

تحریف  
بازی

۲-سرایجه به اهل بیت به عنوان حمله‌ان اصلی است و قرآن.  
اما آنچه که در پایه قرآن اختلاف نداشته است، تحریف محتوی می‌باشد که در روایات از آن به تفسیر به رای ۱ پاد شده است.

مثلاً من طسر القرآن برایه للبترها معهداء من النار ۴ مرید تحریف محتوی می‌باشد.<sup>۷</sup> این حدیث در خواص اللئا نبو تقلیل گردیده.

#### لوازم تحریف:

کشن ارادی و آگاهانه از طرف باطل التدیشان برای مقابله با حقگذایان دو گونه است:  
۱-تحریف در ساختار گفتار تحریف لفظی که خود به سه

الف: تحریف به کاستی: تحریف آن در صفحه قبل یا بعد و نهونه آن مانند حلف پشتوت های پیامبران پیشین نسبت به ظهور پیامبر اسلام (ص) که در تواریخ و انجیل انجام یافته است، از قبیل تحریف به کاستی در لفظ می‌باشد.  
ب: تحریف به غزوی: تحریف آن در صفحه قبل گذشت، ادعای افزوده شده مطلب تاریخ از قبیل نسبت های گفتمان کثیر به پیامبران در کتب مذهبی از جمله نهونه های این نوع تحریف است.

ج: تغییر دادن ساختار واژه ها بگونه ای که معنی مراد و مقصد و واضح نهاده نمود و اینهم پیدا کند مانند تغییر واله به اکلولوس<sup>۸</sup> به پیدا کلی<sup>۹</sup> طوس.

۲-تحریف در محتوای گفتار تحریف محتوی مقصود از این قسم تحریف این است که شخص محرف پیشون اینکه در ساختار گفتار داخل و خارج تغایر معنای آن را به سری که مسلوب خود اوست تغایر سازد و از معنای که مقصود صاحب گفتار است تغییر دهد. مانند تغییر دادن مخلوقه، مخلوق مشهور پیامبر (ص) را که خطاب به عمار پاسر بود (تقطیک الله الباقی) این ساخت پیامبر (ص) را تغییر داد و مصدق فته باقیه لشکر امیر المؤمنین را معرفی نمود.

تحویل: ۱/۱۶

عبدالحسن: ۵/۱۳۰

پیدا کلولوس یعنی ستد مترادف، واله احمد و محمد و

پیدا کلی طوس یعنی تسلی دهنده واله نهضت پشتوت حمدنه شهر پیامبر اسلام (ص) در انجیل بود که تحریف گران سیمین آن را به واله درم و پیغمبر داده اند تا معنای مراد نهاده نشود.

<sup>۱۰</sup> تحریف تحریف نایاب قرآن من ۲ ترجمه علی تحریری

۳-تحریف در تعریف اندی کلمات؛ مثل توجه های قابل حرب که به هیگام تکلم در نحوه حرکات و ادای یک حرف یا کلمه با هم اختلاف داشتند. این اختلافات در سورتیکه بنای اصلی کلمه طوفانیاد و معنای آن دگرگون نزگاند چایز است ولی اگر با تروعاد عربی سازگار نباشد و موجب تغییر در معنای کلمه بشود چایز نیست.<sup>۱۱</sup>

۴-تحریف به تبدیل کلمه؛ به این معنا که کلمه ای مترادف یا خبر مترافق جای کلمه ای دیگر پشتیباند - کاری که این مسوده آن را جیز قابل‌داد می‌کرد و لی از نظر محققین چنین کاری در متن وحی چایز نیست. زیرا اصطلاح قرآن خدش دار می‌شود.<sup>۱۲</sup>

۵-تحریف به تبلیغ (فوتو)؛ به این معنا که واله یا ترکیب از واژگان بر گفتار افزوده شود بگونه ای که گفتار از بستر اصلی خارج شود. به این مسعود ویرانی دیگر از صحابه نسبت می‌دهند که ایشان جهت روهن الدن و رفع لیهام از لفظ آیه جهیزی به متن قرآن می‌افزودند، البته آنها اضافات را جزء قرآن نمی‌دانستند.

۶-تحریف به کاستی؛ به این معنا که بعثتی از کلام که معنای مطلوب صاحب گفتار به آن بسته است حذف شود. که خود به دو قسم است: ۱-کاستی در قرائت، ۲-کاستی در متن.<sup>۱۳</sup>

#### تحریف در متنون و هنر لصلوی

تحریف در کتاب و سنت به متنان متون وحی آیین اسلام بدر گونه لفظی و معنوی مطرح است. آنچه در سنت پیامبر اتفاق آمده بیشتر مربوط به تحریف لفظی است و رسول اکرم (ص) خرد در سال سج الوداع فیمن هشدار نسبت به تحریف افظی بیش بینی نمود و فرمود: «قد کترت علی الکتابه و تستکن فلن کلوب علی معتقد لاییهرا مقمنه من النار»<sup>۱۴</sup>

پیامبر (ص) برای مقابله با تحریف افظی منت دو راه در پیش روی امت اسلامی نهاد: ۱-سرایجه بر قرآن به متنان بازشناختن احادیث صحیح از تاصحیح.

<sup>۱۱</sup> ممان منع پیشین

<sup>۱۲</sup> ر. گ. الشهید ۳۲۲ - ۳۲۱

<sup>۱۳</sup> معرفت مبانی قرآن متأثر

<sup>۱۴</sup> بخار الانوار، ۵۰۷۸

تفسیر به رای را من نتوان از قبیل تعریف معمولی به حساب  
آورد چنانکه جمل و وضع را از قبیل تعریف لفظی گفته‌اند.

## لندیدگاه اقبال

قمر حسین محمدی - پاکستان

# عقل و عسو

آنفلوپی با اقبال

محمد اقبال در سوم ذیقعده ۱۲۹۷ هجری قمری (۹  
نومبر ۱۸۷۷ میلادی) در شهر سہاسکوت پاکستان پا به جرم  
وجود گذاشت و در ۲۰ صفر ۱۳۵۷ هجری قمری (۱۱ آوریل  
۱۹۳۸ میلادی) در لاہور چشم از جهان فرو بست.

علامہ محمد اقبال فیلسوفی، عارف و شاعری روشنگر بود که  
در واقع متعلق به زمان و مکان نیست و به بشریت تعلق دارد  
البال شعر و اندیشه خود را برای آزادی مسلمانان شبه قاره هند  
و اتحاد ملل اسلامی به کاربرد نا آخرين لحظات حیات از همچو  
کوشش در راه پیشبرد این هدف مقدس کوئلی نکرد.  
اقبال به زبان اردو حدود نیش هزار بیت دارد و در زبان فارسی  
حدود نه هزار بیت دارد و جالب این است که اشعار اقبال به  
زبان اردو از لحاظ نوع کلمات، ترکیب، وزن، قافیه و ردیف  
به فارسی خوبی نزدیک است.

البال چند اهداف مهم داشته سیاستگری حرکت و چنین و  
جوشش است از نظر او حرکت جاتمایه هستی است و شری و  
غرضی با هم تفاوت ندارند اقبال برای شکست و تغییرهای  
استعمار نقش بزرگی داشته است.

یان نند که به نظر او حرکت جاتمایه هستی است و همین  
حرکت گامی تغییر به حقیقت می کند در واقع به نظر او عشق  
جاتمایه هستی است.

و تعالی آدمیان هم از آیات حقیقت مستند حقیقت تمام مهارت ها  
و فنون ها را با آتش من میزند و خاکستر می کند

## از مجموعه نسبال تأثیری منتشر شده است.

وقتی حقیقت بر قلب حاکم شد آدمی خود را فراموش می کند  
در این حال است که انسان مفهوم واقعی زندگی را در  
می باید

البال نمی خواهد مردم عقل را کهار زندگانیکه می خواهد که  
مردم را از عقل گرانی مطلق بیرون بکشد به عقیده البال آدمی  
با نیروی شوهی حقیقت می تواند امتحان پذیرند و حال آنکه  
عقل ذلك چنین قدرتی است به عقیده او حقیقت یعنی تعالی  
نفس و از محدوده هست و نیست بیرون نهادن به عقیده او اگر  
میان عقل و حقیقت یکی نوع تعادل نیاشد انسان تیزی خود را  
برانی تسخیر جهان ماده صرف می کند

بازسازی اندیشه دینی در اسلام  
اقبال در چهارده روایت  
شرح گلشن راز جدید  
شرح باید کرد  
شرار زندگی  
مبانی تربیت فرد و جامعه  
زمان و مکان از دیدگاه اقبال  
دیدگاه های اقبال

خلاصه عقل و حقیقت در دیدگاه البال  
حقیقت به عقیده او سرچشمه اصول متعال اخلاقی است، عشق علت حرکت در جهان است.  
زهین و آسمان به نیروی عشق در چرخشند. عشق سبب رشد نبات است و عامل حرکت در  
موجودات است.

یا در اسرار فکری و سیاسی بر می گردد.  
به عقیده او عقل به خدمت عشق باشد اگر چنین نیاشد و سیله  
مخرب و وحشت آور است.

به نظر اقبال شناخت حقیقی در راه دارد یکی راه حسی و  
درویش راه عشق او می گوید عقل حقیقت را به تدریج در می  
باید ولی عشق یکباره پرسیله ادراکه مستحبم قلب حقیقت را  
می باید. البال مانند همه هارفاران عشق را بر عقل رجحان می  
دهد ولی این جزو نیست که منکر عقل شود بلکه می گوید  
بنین این دو باید تعادل برقرار کرده و آدمی باید تنها راه عقل  
را در زندگی را انتسابی قرار دهد.

اقبال می گوید هیچ دلیل وجود ندارد که عقل و حقیقت در  
مقابل هم قرار دارند بلکه هر دو از یک و بده سر بر می کنند و  
مکمل یکی دیگراند. اقبال می گوید عشق حجاب از چهره  
همتی می درد و می گوید حرکت ستارگان و اتحاد ذرات عالم

# گرگ کا و گرفت

در آفیوس ارسیلک ته فرق می شوم  
 از ده بودم  
 نه به حیله های ساور  
 آمد بروم نادو  
 امناد سیر ملکع چشم هایت  
 حاو واله شوم  
 آمد بدم  
 تاشایه  
 مثل سحر زده ها و شن های ساحل  
 آوش بگشای  
 و مرا — حال انگشت  
 آبی رویایت  
 خرق کلیں  
 حکایت سرتوشت من  
 مثل دل زیبی و وحش شن های که  
 توی مدھای بی رخانه برت من شوله  
 بودن خوبش را سجن گرفت  
 و قنی  
 جون سکی  
 افتاده بیمه کور  
 باکره گنجی بودن وا  
 نگاه هر زه هیچ غایری دنیا است  
**فلاموفا لبراهیمی**  
 امید  
 زندگی  
 فیاهوی گله ای گوستله است  
 در سه کوری قصر  
 در سپاه دهن دیگر  
 نه ایندیشه دهن دیگر  
 نه ده  
 و حل سه گئی  
 به گردان او نسی آورده  
 بندیه این دا  
 در حریث  
 آتشکده چشم هایش می سوزاده  
 افرازی من  
 قدمه ای از جنس مریم می خواهد  
 حا آنکه من آدم  
 و دست هایم بوری — ده  
 به عقوبت گلادین گنانه  
 مو ای ران؟ خدیجه لبراهیمی

## شکفتن

ای عتمای شکوغا شدن آسان نشای  
 لحظه هایم همه حشکید تو باران نشای  
 می تو عشقم شده هر باز تر کیست  
 خوبیش  
 مرگ صلبایه من دیدی و بگردان نشای  
 روم زویند این خاک قدمهای تو بود  
 غایر خیس همین تکه بیابان نشای  
 یک قدم بینش بر از من شده ای میل بهار  
 مزده و سل بر این قتل زستان نشای  
 مر سیاری به کس بگویی بذارم بتو را  
 کیمی گشته حضورت کمی ارزان نشای  
 گنمه اید بار بدل و اید تو زست بدهم  
 تو بر این سفره بی قافیه مهمان نشای  
 عقرب ??



# السلام على سکن

کل

(ماغ آزاده (هزار))

(ماغ آزاده) مرا به صد شم و لبها گریم  
به فران و نانه در شب و مهدی بی صدا گریم  
خشت فون بار و ننان است هزاران چشم گزین است  
جو زینب دلبر آهرا به سوک نینوا گردید  
علم جان هوا او یاران چه همان افزایست میدانه  
در آید غم با کل همراه بای گزینا

گریم

کجا (فتن) تو ای قمری که بالات گشته فون آ  
منم غفین کنم بالمه و تو زینت ماهرا گریم  
فلک تلها نه عرض حق له گرسی هم علا دار است  
بیا همراه ام بندما براین خم با صدا گریم  
هموشه از چه ای هستی نمی بینی معتبرت را  
سینه پوشم از این مساقم (ماغ بلند) سا گریم  
لکزید در حرف مفتر هر آلتیں برمیسان گردید  
چه سان زیاست این گزینه تو دانستی هزا گریم  
چه بدن والاست این گزینه عبادت خواسته اش آید  
نکرد در راه افرادیت ع رکجا گریم  
پنه من شند یا ووش بودم به فتن (وز عاشقا)  
وی افسوس زین توفیق از این خسرو با شما گریم  
وی این کاروان نیم بسیو گوشه و در شام  
هو آل مصلطفی هردم به اوری ناقه ها گریم  
شها ای قاری قران به اوری نیزه قرآن فهان  
به آواز دل آرایت دلاین دشت بسلا گریم

گریم

به کلم فلانه هر داد دلایم سیه مایه  
به امید پدر آنها و همچوی بینها

گریم

مله زادر همین ام بعن ته برقهن هم  
سفن توتاه بنموده معد انب بیش از این باشد  
که پیغمبر آده بجهه برو آن لسب ای خدا گریم

شاهزاده حلیلین خیدری - زالر

گریم





فرق خاطره با دیگر کلمات آن است که خاطره ها درون را و دیگر کلمات برون را نشان می دهند. خاطره کلمه ای است که کثر مرد تعریف واقع شده است چون درست داشتن نیست که بر زبان یا ظاهر تعریف شود، چون هشق نیست که به هنجاب شمود پرستی تعریف شود. خاطره ها حقیقتند، وجود دارند، خاطره کلمه ای است معلوم، دوست داشتی، روایی آشنا، خاطره ها به وجود می ایند چون ما آن را بوجود می آوریم، خاطره ها بال های پرواز من و توست از حال به گلشته خاطره ها یکی یاد برخورد در پک لوح تقدیر برای آنایکه درستشان داریم. خاطره ها بوسی احسان و آواش می دهند فرق ما و ویا ط آن است که ان ها خاطره ندارند برای همین آنها را بدانند و نامه برداشت اگر باید نکیم از آنایی که زیاراتین خاطرات را برایمان هدیه دادند. هدیه ای که آنقدر دوست داشتی و گران بیهast که ما آن را در گنجینه قلب هایمان نگاه می داریم.

مادر بپنهنه، جاوداته ترین و پاکت ترین خاطرات است و پدر که بخششند خاطرات ایثار، تلاش و اید است همسر که بخششند خاطرات حاشق شدن و حاشق مالند است. من و تو که خاطره ساز آینده ایم با سوگند یاد کنیم که زیاراتین و بر عراوت ترین خاطرات را بدهیم. خاطراتی که از جنس پلور از عطر گل محمدی از دسته گل محبت و از

شبیم ای نشسته روی گل احسان تا در قلب ها بمانیم یا در یادها بمانیم و در قلب هکس غبار گرفته یا سنگ مزاری خاک خوارده تماقیم. بشیوه از خاطره خاطره ها دارد انسان ها خاطره ها را دوست دارند ولی شاید همین تاریخ را نوشتهند تا خاطره ها پاکت بمانند و به دیگران که می خواهند خاطره آفرین یا شند یا هم زند که چنگره زیاراتین خاطرات را بسازند و به دیگران هدیه دهند و از خاطراتی از جنس نامه برای و نامبرای را به هیچ کس ندهیم و چه بیچاره و می نام نشانند و چه متفروند آنایی مه خاطراتی از جنس خودخواهی و خود پستاندی و خود مستانی و لغزش غریبی و لذاد پرستی ساختند و هر چیز فراموش نکیم آنایی را که بپیشون و سرمهز ترین خاطرات را برایمان هدیه دارند یا لاید از زندگی پر هیاهوی هزار رنگ شهربگذریم. یا لاید از بیچ و قاب های بجاهه هایی پر از ازدحام غبار گرفته و از نامه برای و نامبرای بگذریم. یا لاید در کنار هم بنشیهم و با شب ماه و ستار گان چشحک زدن شب نشینی کنیم و از خاطرات بگوییم از خاطرات دست های پیشه بسته مادر یا پیشانی دف کرده پندو یا که از خاطرات همسران بخششند عشق، خاطره کام زیایی، تو را بروز لوح محبت خواهم نوشت و این لوح را در قلب خود نگاه خواهد داشت و از او که بیعت را آفرید خواهم خاست تا تو را برای من نگاه دارد خاطره لاله من نشسته در خلوت احسان است

## زندگی

به نام خدای هستی‌ها و نیستی‌ها

لذت و شادیش میوه‌های درختانش و ۹۹۹ که خستگی هایم  
سایه‌های درختانش ، سنگ‌های بودم قاچش که گاهی هر از  
زندگی دور و دوباره به زندگی باز می‌گرداند ، صدای امراه حسنه  
آمیز بی کران دریابش موسیقی احساس من است و زینش  
فرش من است و ستارگان آسمانش پر راغ غب های من و  
ساحش که هاشقانه ترین گلهایم را همراهی میکند و خودش  
که شاهزاده ترین و بر احساس ترین لحظه هایم را تمازه گز  
است ، در جزیره زندگیم من درون ، من گریم ، من خشم ،  
آزاد آزادم ، و آزاده زندگی من کنم و از دامان سیز مخلصی  
کوه سنگی پوشکره و جزیره او بالا من روم و بالای بالا . من  
شام و به شاهدی یک پرواز من ایستم و باد توراشم من کند  
و موهایم را از مقابل چشانم کثار من زند و به آمیز بی کران  
من نگرم و فریاد من زنم ای آفرینه زندگی ، زندگی چیست ؟

زندگی مرگ نیست ، ریا نیست ، ظلم نیست ، پول نیست  
، زندگی مضامد با خوبی نیست ، زندگی دروغ نیست  
زندگی ویژه دارد ، زندگی کجاست ؟ هر انسان از زندگی  
تعریف خاص خودش را دارد ، هیچ کس توانست از زندگی  
پیک تعریف کلی داشته باشد تعریفی که با تمامی تعریف‌ها  
طباهت داشته باشد . زندگی رنگ های فریاده نیست زندگی  
توهم نیست خیال هم نیست ، زندگی آهنجک غریب هم نیست .  
زندگی من و تویم ، زندگی حقیقتی گم شده است که گاهی  
درست داشتم ، گاهی لذت پخش و گاهی منور و گاهی  
زشت و گاهی زیست و چی که در خانه در تنهایی های  
خوبیش می‌نشیم و به گلشته من نگرم زندگی برایم چون  
فیلم «ینسانی» من باشد که من را گاهی مجادل بخود ، گاهی  
په نکر و امی دارد گاهی من گرم ، گاهی نیز من خشم  
زندگی برایم چزیره نیست که ۹۹۹ مهران و سبب است  
درختانش عاطله هایند ، هاتم ها والشک هایش بازان است

علی حکیم

# نیلو ر اندیشه

## نیلو ر اندیشه



نمایی نوائند گلی را زیر می‌ای. کنند ولی محال است که  
عطر آن را در عینها خواهند ساخت.

ولنر  
برای گسترش دانس خود باید بنشو از این جدید میاد من  
که بربه فکر کنید:

دکارت  
تساب لغده کلام دلنشیس را که امروز بزرگان من اورده  
فردا بچشید.

جاندی  
کار انسان را از سه بالای بزرگ دور می‌کند بافسردگی

اججاج و فساد.

اکر من خواهم دیگران تو را تحمل کنند انان را تحمل  
ازکه انتقام می‌گیرد نیک روز خوشحال است ازکه عنوان کند یک عمر. ولنر

مال بهتر از عقل و عبادتی بهتر از تفکر نیست.  
پایه در آنها (س)

از خشم دوری گزین که اخواش دیوانگی و فرجامش پیشان است.  
عنوان (س) (۱۸)

ازکه انتقام می‌گیرد نیک روز خوشحال است ازکه عنوان کند یک عمر.  
عنوان (۱۸)

فرصتها به سرعت از دست می‌روند و به دهدی بازم گردند.  
امام صحن مجتبی (ع)

دل ابله بر سر زبان اوست وزیار، دانای خردمند در کنج دل او.  
عیسی مسیح (ع)

از خطای نادم نگردیدن خطای دیگری است.  
دینه

استعد اسماس را شکوفا می‌سازد که در خویشها پوسیده می‌مانند.  
دوران

در سر زندگی در قطاری خوب و زیبا چندان اهمیت ندارد بلکه فیلم این  
است که در ایستگاهی عالی یا نیزی.

نویسنده

جردن  
ادب خواجه ندارد ولی همه چیز را خوبداری می‌کند.  
سامغور  
خوبستخنی هات عطر است زمانی که به دیگران ارزان  
داری من شک خوبه نیزه ای این شیوه خواهی بود.  
آمریکوون



# تشویش های نهاد های روشن فکری و رسانه ای از بازگشت

## خودگامگی به کشور

در این محل همچنین حلم  
تصویر مثار و رساله ای وزارت  
اطلاعات و فرهنگ به دفاع از  
اقدامات وزیر برای اخراج  
کارمندان از رادیو و تلویزیون  
پرداخت و موضع گیری و  
سخنان آقای نجفی روشن دلیل  
عمومی رادیو و تلویزیون را  
هدوهندانه و تادرست خواهد و  
تاکید کرد که وزارت من خواهد  
اصلاحات لازم را به قلع مردم در  
این رساله به وجود بیاورد.

اجتماع نهاد های روشن فکری با  
صحبت های تند و احساساتی  
مشنج شد و گردانندگان این  
 محل توانستند آن را به خوبی  
 مدیریت کرده و اهداف پرگزاری  
 این نشست را از آغاز کنند.

عمر روز پنج شنبه  
انجمن قلم و انجمن  
آزادی بیان و  
تسهیلهای از  
وزارت ایران و اهل  
قلم با اجتماع در  
 محل هتل ستاره  
 نسبت به اقدامات  
 وزیر اطلاعات و  
 فرهنگ در مورد  
 اخراج دهها تن از  
 کارمندان رادیو و  
 تلویزیون  
 ویس سروش  
 ساختن آها اعتراض  
 کردند.

در این گرده همانی آفایان  
 و هنوره زیباب، سیف الدین  
 سیحون، قیم اخته و تصادی  
 دیگر از شخصیت های مدافع  
 آزادی بیان سخنواری نصوده، از  
 پهندیدهایی که نسبت به رولند  
 آزادی بیان و فعالیت آزاد رساله ها  
 وجود دارد ابراز تشویش نمودند.

نهاد های روشن فکری  
 سانه ای از بازگشت

خودگامگی به کشور

کلیک متضرر جوایه شما خواهد بود  
نسبت به این مقاله می باشد

## بصیر بیکزاد

افتخارستانی به این زودی و یا هر گز بایان نیابد. او با هیئت روحانی و با راه اندیزی یک شعبدی پارسی و یک جادوی سیاه سیاسی در پوشش و افظ و مدارس اخلاق اسلامی در منیر حسین (ع) از مردم هزاره «شهرک المهدی» چبریل؛ به عنوان جامعه مقاصده پاد کرد.  
اما چربیلی به این نکته توجه نکرده است که دلز نمی تواند رفاقت را پنهان کند. این فرد که با رسا و دزدی و تقلب خودش وابه پارلمان و صالحه اکنون باید به دور خوبیش هاله ایجاد کند و به دور از چشم پیشانی هزاره خودش را بس رویک، ماته، هفت و نیگ و همه زنگ سازد، تا چند صیاحی به این زندگی نکبت بار ادامه دهد.

جامعه هزاره آگاه است که جمیعت اسلامی در چنگهای کابل گلوری هزاران طفل هزاره وابریل و به تاموس آنها بسی طعنی های زیبادی را روا داشت. این کارها در زمانی صورت گرفت که آنای چربیلی، مسول دفتر فرهنگی حزب جمیعت اسلامی در مشهد بود. اکنون او که به دروغ به پارلمان راه یافته، هماره تدارد بجز آنکه در مایه... روشنها گرام بردارد در قضایی سیاسی مه آگرد و در کثیر اندجهل و سیاهی. اساساً انسان که همه اش دروغ است هیچ شبکی با مصلحت و راستی ندارد، دور از التظاهر نیست که او شهرک المهدی چبریل را که بیش از هشتاد هزار انسان هزاره روزا هزاره همچون خاری میکند، مرکز مقاصد اخلاقی پندراد روزا هزاره همچون خاری است که چشم او را آزار می دهد. او تحمل ندارد که هزاره ها حتی در حادثه شهر هرات مثل یک شهروند افغانستانی زندگی کنند و تکرر انحراف گرایانه وی چشمکش را آن قدر کور و نایبا کرده که مردم پاک و متدين چبریل را "فاسد" و شهر چبریل را "مرکز مقاصد اخلاقی و اجتماعی" می دانند.

نگون یعنی بزرگ در قالب مکتب حسین (ع) سیاهی بزرگ در پوشش و افظ و مدارس اخلاقی، تداوم عصان نیستهای سیاهی زمان چنگ نیست کردنها و کشان کردنها این بار در لباس دیگر (لباس روحانی و عضو پارلمان). پارلمانی که باید نمودار میتواند میان افغانستان باشد، همیشگی در پوشش و سیاهی بفرد گرفته است (خانه ملت). اکنون باید مردمان نست از چنگ با ابوالهول استبداد در پای شکوه هیولا لایی شام شرداری ملی افغانستان به زانو در لخته که روح استبداد تاریخی و بخلاف اسلام سیاسی، هر دو را در اندرون دارد هیولا لایی که هر چند روزه ملی سر داده است ولیکن هرچه بگویند دروغ است و هرچه دارد فرمیب. چند صیاحی است که تحویل پیروزی کله خله ای را بر کرده است و شادی حاصل از انتخابات پارلمان تا میزان استخوارها رخنه کرده است، اما جای این سوال باقیست نماینده ای که هست مغلوب دارد چگونه من تواند آرزوها و آمال جامعه ای را که امروز بعنوان قریب ترین و حنف مانده ترین کشور جهان در لجه‌زار فرهنگ قومی و نکبت سیاسی قرو و قله تحقیق بخشد؟

حجت الاسلام اسماعیلی چربیلی نماینده مردم هرات در پارلمان که با هیئت و هیأت روحانی نماینده خلدا در روی زمین و در هویت هیولا لایی نیام پارلمان، مست از هراب کهنه و فرسوده قوم گرایی، مردم و جامعه ای را که اوت نماینده آنها است، مقاصد اخلاق و مایه نشکش، خواهد است، تا این راه ایمان به استبداد قریس و رهبر سیاسی خود مردمی اش را در پشت شمارهای مبارزه با مقاصد اجتماعی، از چشم ها پنهان سازد. گریز تقدیر بر اینست که زندگی (مزیف وار) انسان

من به عنوان یک فرهنگی در حقل سخنرانی‌ها بودم. او با ادای کذایی با لحن و ادبیات توهین به مردم پاک و متدین جبریل، با وفاحت و بی‌شروع گفت آنچه به من جبریلی میگویند سخن و فوج هیرو؟ از سخن های او می‌توان استنباط کرد که در بینش او حقیقت اساسی و واقعیت غایی تنها در ارزش‌های قومی خالصه می‌شود و حق و ناحق و بد و خوب را بر اساس تفاضل نوعی درگ می‌کند. اما جبریلی پاید بداند همان گونه که قوم محوری و نژاد پرستی در فلم کابل اکسپرس محکوم به شکست است، اهانت آهکار جبریلی تاییده پارلایان افغانستان نیز می‌پاسخ دخواهد مادر مر چند که آنای جبریلی در کرسی پارلیمان این هیولایی مرد تکیه زده باشد. مردم جبریل میگویند: آنای جبریل! پارلیمان جای بحث مسائل انسانی و ملی است نه پوششی برای حق نه گشای تاریخی!

هرات، جبریل

البته ریشه این توهمندی در آن است که برای او انسانیت که در قالب کلیشه‌های قومی قابل فهم است و قویمت مفهومی است مقدس تراز انسان. جامعه شناسان میگویند: اگر محترم فرهنگی یک انسان خود انسانی باشد، انسانهای خود محظوظ و در این را می‌پرورد زیرا براساس دیدگاه انسان شناختی جدید انسان یک موجود فرهنگی است و هست انسان ایش و از فرهنگی می‌گیرد. آنای جبریلی که در پارلیمان از انسان و انسانیت سخن می‌گویند در عمل باطن خود انسانی ایش را اثنا و بر ملامی کند او هنگام انتخابات، از مردمی که آکتون فراسدا، تقب ماده است، رای گذاشی می‌کردد و در نهایت با تهریک و فرب و تقلب توانست رای پیاوید. بسیار واضح است که حرکت بزرگ پرستانه احمد‌علی جبریلی اکثریت سیه حرکت گردانده گان فورای نظری طلس کابل دیگری رسم خواهد. آکتون آنای جبریلی با قاسد الاخلاق خواهند این مردم می‌خواهد این پروژه را تکمیل کند. می‌گمان وقته که حافظه تاریخی یک جامعه با ارزش‌های انسانی بیگانه است و هنگامیکه قضایه‌های انسانی و اخلاقی نه با معماهای انسانی بلکه با محرومیت قرار دادن اخلاق و ارزش‌های ایلیه ای و تکی داوری می‌شود، وزمانیکه شایستگیهای انسانی و چهره ملی جردن در طیف و لوم خاصی فرو کاسته می‌شود، طبعی است که برآیند آن آزم های ریا کار و سچون جبریلی است که پاک ترین سرمه افغانستان را "فاسد اخلاقی" می‌خواند.



بـ٦٩٥ شد



## با عرض مدت از همان صریحه دلو

در همه دیر مغان نیست چو من شیانی  
مفرغه جانی گزو پاده و دفتر جانی  
حلقنا بود تو را خرفه و دفتر به گزو  
کارستان که تازوند چنین دارانی  
بیرون یاره و شلواره پابند آن آن  
تروت ما و مکت ماهست دو تادهایی  
سر و گوش تو چه آسوده و راحت بودست  
در زفراست نه صدا بوده و نه سپاهی  
گز نموده بتر تلف هم خودت در صفت شیر  
کسی سروی طول نظر بدان زیانی  
گز شوی زنده و دعوت پذیری از ما  
چند رویی تو ز هیاز به تهران آنها  
باید اول بدهی قول که مانند خیر  
مرد و مردانه روی توی صفت نوعانی  
تا یقش حقب از صفت بنی جای خودت  
پیک سبد جانی و یکی پیش حلب در جانی  
تصد خارج هدن از خاک مکن خالق جان  
خوش یاسای که آسوده در آن دنیانی  
گز یانی و یابند به مهانی تو  
خله و خه و خنر خمو و رندهای  
با خفرق کم و اجناس گران بی تردید  
نتوانی بخری بجز کندی خلوانی  
زانکه بر مرغ و کره و گوشت و پنجه  
بر سر چوب بود قیمت و حشت زانی  
مرغ در لای چلو گرچه تازی است ولیکه  
ما که این هردو نداریم چه می فرمائی

## نهوه موادرین دلو دو گلو دله از دیدگذشتی مغلوب

سونجاویسم: دو گاو دارید، یکی رانگه می دارید، دیگری رایه  
همایند خود می دهید.

کهولیسم: دو گاو دارید دولت، هر دوی آنها رامی گیرد لا شما و  
همایه تان را در شیرش شریک کند.

فلشیسم: دو گاو دارید، شیر رایه دولت می دهید دولت آن رایه  
شما می فروشد.

کاپیتلالیسم: دو گاو دارید هر دوی آنها را می دوشید شیرها را بر  
زمین می ریزید تا قیمتها همچنان بالا بیاید.

فائزیسم: دو گاو دارید، دولت به سوی شاترا اندازی می کند و هر  
دو گاو را می گیرد.

آثارشیسم: دو گاو دارید، گاوها شما را می کشند و هدایتگر رامی  
دوشند.

سلهیسم: دو گاو دارید، به هر دوی آنها لبر اندازی می کنند و  
خودتان را در میان ظرف شیرها می اندازند.

آپارتاپید: دو گاو دارید، شیر گاو سیاه رایه گاو سفید می دهید ولی  
گاو سفید را نمی دوشید.

دولت هرمه: دو گاو دارید، آنها را می دوپید و بعد شیرشان رایه  
خودتان می دهید تا بتوانند.

پوزو گواصی: دو گاو دارید، برای تیغه، شتابندهم آنها هفده فرم را  
در سه نسخه برس می کنند ولی وقت ندارند شیر آنها را بدوشید.

سلطهان هلال: دو گاو دارید سرمه شما را از دوپید آنها و تو می  
کند آمریکا و انگلیس گاوها را از شیر دادن به شما و تو می

کنند تپوزلند رای صحن می دهد.  
ایدهه آییسم: دو گاو دارید سرمه آنها را می  
دوشند.

وقایعیسم: دو گاو دارید از دوچار می کنند اما هنوز هم خودتان آنها را  
می دوشید.

نهنجزیسم: دو گاو دارید، زشت است شیر گاو ماده را بدوشید.

فیلیسم: دو گاو دارید حق تملکید شیر گاو ماده را بدوشید.

پلورالیسم: دو گاوت و ماده دارید باز هر کدام شیر بدوشید، فرقی  
نمی کند. لیرالیسم: دو گاو دارید آنها را نمی دوشید چون آزادیشان  
حدود می شود.

دو گواصی مطلق: دو گاو دارید باز همایه هارایی می گیرند که  
آنها را بدوشید یانه.

سکولاریسم: دو گاو دارید، پس به خدا تهازنی نیست  
الهام صبور ری



## اعتمادی

راندشت مثلاً (نیروی سوم) که مربوط به یک گروه خاص می‌باشد و یا (موقعیت سوم) که بازم آن کلیت با اکثر کشورها دربر نمی‌گرفت البته به غیر این مه اصطلاح اصطلاحات زیادی درباره این دسته از کشورها از این شده بود غیر عصب مانده عقب نگاه داشته شده. در حال ترسیم، توسعه نیافر، کم وشد، قریب، استعمار زده، وابسته وغیره. هر یکی از این گوچه‌جنبه‌هایی از دو گروهی های این کشور ها اشاره می‌کند ولی آن همیشگی رانداردی پیشتر درباره اوضاع یکی یا دو کشور است جهان سوم اصطلاح است برای عصوم این کشورها که مشکل از قاره‌های مشاروت است می‌باشد.

مشارکت طلبی متفقین می‌شود. لازمه غایبی چنین شفمیتی و قرع فرایندی نظری صنعتی شدن شهری شدن و گسترش مولاد است. در سال ۱۹۶۲ (ادوارد شیلز) در نظریه توسعه سیاسی یا تأکید بر تعابیر جوامع متى و مادرن در صدد توسعی و پژوهشی های سیاسی جوامع متى برآمد.

کابول آسوند و چیز کلمن، در کتابی که مشترکاً منتشر کردند بود میاست مذاقق در حال ترسیم از تقابل مت و مذیق نیم استقاده کردند. گرچه برخلاف هنرمندان پیشین خود همیگی دلالت خاص از یک جنبه چه میاسی اقتصادی و فرهنگی داشت از این نظر که از آن جمله به چند نمره اشاره کردند.

## تعریف جهان سوم

جهان سوم که اولین بار توسط جمعیت شناس و اقتصاددان فرانسوی بنام (اکتر دسوروی) در سال ۱۹۵۲ در اوج جنگ سرد و از این شد مشکل از دو کلمه است. جهان سوم شامل آن دسته از کشورهایی که از قاره‌های آمریکا، آفریقا و آسیا می‌باشد. یعنی طبق تعیین از کشورهای سوم نیروی سوم که در زمان جنگ سرد میهمانه همکاری سیاسی با دو ابر قدرت شرق و غرب نداشتند به کار می‌رفت اصطلاحات مشابه و غیر مشابه قبل از آن تاریخ و بعد از آن تاریخ نیز به این کشورها اطلاق می‌شد که معنی عام بودن که پیشتر در آن زمان به خاطر جنگی از بلوک سیاسی، نظامی و اقتصادی آن زمان (بلوک شرق و غرب) به کار می‌رفت. البته نه فقط بخاطر جنگی از این دو بلوک اصطلاح جهان سوم بکار می‌رفت بلکه وضعیت سیاسی فرهنگی اقتصادی و اجتماعی آن کشورها نیز شامل می‌شود. بدلیل حسب ملتدگی که در این زمینه ها نسبت به این دو بلوک و چه ودادهای بکار می‌رفت در زمان اولیه جنگ سرد و یکی در دفعه بعد از آن نظریه پردازان زیادی درباره این دسته از کشورها نظریات مشاروت که همگی دلالت خاص از یک جنبه چه میاسی اقتصادی و فرهنگی داشت از این نظر که از آن جمله به چند نمره اشاره کردند.

در سال ۱۹۵۰ (دانیل لتر) نظریه نرسانی سیاسی را از این کردن، به نظر او شخصیت مدنی با خصوصیاتی چون همایندی نظامیها سیاسی موجود ترکیب از عناصر متى و مادرن هستند



دویا اند کشور مشترک است

بطور مثال سابق استعمار تقریباً به همه این کشورها بوده، یعنی

در یک زمان تحت استعمار یک کشور از پیشی بود و با

تاریخات قومی، تاریخی، مذهبی، ملی و طبیعه به همه این

کشورها وجود ندارد بلکه بعضی از کشورها داراست مثلاً

کشورهای تغیر افغانستان، پاکستان، هند و بعضی از

کشورهای خانه خارج از اسلام

درین این حسنه از کشورها دسته بندی های جدید در دهه

های اخیر بوجود آمدند. مثلاً کشورهای توسعه یافته مثل چین

و کشورهای شرق آسیا که امروزه در تمام جرمه ها سهم

برآورده اند سطح بازار جهان دارند

و گروهی دیگری بنام کشورهای در حال توسعه است تغیر اسلام

ایران و خواه آخرین دسته بندی (گروه بندی) بنام کشورهای

قشر است تغیر افغانستان و بعضی از کشورهای آفریقایی

با وجود این تفسیرات درین این کشورها دیگر حدالله به نظر

نمی رسد که اختلاف جهان سوم برای رتبه بندی بری همه این

کشورها به کار گرفت با خاطر چن در جهان یک ابر قدرت

است چه از نظر سیاسی چه از نظر اقتصادی فرهنگی و

اجتماعی و ای کشورهای تغیر افغانستان و بعضی از کشورهای

آفریقایی از جمله تغیر این کشورهای جهان بحساب می آید

از این جا است دیگر این رتبه بندی حدالله نیست

که باید یک جایگاهی بین تمام کشورهای چه جهان دومن ها

چه سومی ها ایجاد شود ممکن است که در اینجا هنوز

کشورهایی باشد در حال توسعه بلکه بعضی توسعه یافته کامل

باشد هم با این سه قطبی شدن جهان به نظر می رسد

کشورهای توسعه یافته یا ابر قدرت در تمام زمینه ها

کشورهای در حال توسعه بیانه رو و کشورهای قبر و ولی

پس از چنگ چهاری دوم بیشتر رتبه بندی از نظر وضعیت

اقتصادی کشورها مطرح بود دیگر وابسته بودن سیاسی زیاد

قابل توجه نظره بود ازان نیست

الموند کتاب دیگری با عنوان (سینه و ربا) نوشت به

مقایسه فرهنگ سیاسی در جوامع فربنی برداخته است. در این

کتاب این ادعا مطرح شده است که علت اصلی توسعه نیاقوک

سیاسی در جهان سوم خصوصیات فرهنگی و روابط این جریع

است. الموند و روابط اساسی این نظریه ها سه نوع فرهنگ

سیاسی حاکم در جهان سوم را از یکدیگر می‌شایزد می‌سازند

(الف) فرهنگ سیاسی محدود. در این نوع فرهنگ سیاسی

افراد پسلوت با امور سیاسی ارتباط دارند

ب) فرهنگ سیاسی تبعی. در این نوع فرهنگ سیاسی اراد

رابطه ای انتقالی و مطبوعه با نظام سیاسی دارد

ج) فرهنگ سیاسی مشارکتی: در این نوع فرهنگ سیاسی

افراد به صورت مستقیم تسبیت به اکثر جنبه های نظام سیاسی

حساسیت نشان می‌دهند و با نظام سیاسی رابطه ای فعل دارند

که کثر در کشورهای جهان سوم و یا بعضی از این کشورها

فرهنگ سیاسی مشارکتی دیده می شود در اکثر این کشورها

بیشتر فرهنگ سیاسی محدود و فرهنگ سیاسی تبعی دیده می

شود

همانطور در بالا ذکر شد جهان سوم اصطلاح مام نیست که

برای همه این کشورها در نظر گرفته شده اند ممکن است

افتراقات های زیادی بین این دسته از کشورها وجود نداشته

باشد و یا ممکن نیست ویژگی های هم درین این کشورها

باشد که در این قسمت به خلاصه آن می پردازم

ویژگی های تغیر استعمال اقتصاد نا معادل، تجارت جهانی،

درآمد مردانه، افزایش جمعیت، نقص دولت در حیات

اقتصادی، زندگی سیاسی بصورت طی دو کاریک، ضعف

دولتی ادر عرصه بین الملل

تاریخیات قومی، تاریخی، مذهبی، ملی کشورها و چنگهای

فلسفی

این ویژگی ها بخش از ویژگی های مشترک در میان

کشورهای جهان سوم وجوده دارد این ممکن است هر یک از

این ویژگیها به همه این کشورها مشترک نباشد بلکه درین

ویر خلاف میتواند گلخانه که بهاری و سرما نام داشته باشد  
حصیرت پذیرفت بود در این میتوان به تسلیم قدرت هایه تمام  
ولايات توسعه میگردد تا در حق حییع شخص یا قوم انجام

**کلیک:** مدارک تحقیقی صادر شده از سوی  
مدارس خودگردان آیا مورد تایید دولت میباشد یا  
خیر؟

مدارگ ک تمهیلی مبارد شده از سوی مدارس خود گردان تا  
تاریخ سال تحصیلی ۸۴-۸۳ را تایید میکنیم ولی بعد از آن را  
به هیچ وجه تستواری فقط در صورتی که وزارت خارجه ایران  
تایید کرده باشد. ولی وزارت معارف وابسته خوش را به  
سفارات ارسال که بعد از ارزیابی از محل مدارگ موصوف  
را تایید مینماید که صوره قبول وزارت معارف میباشد.  
کلیکت: نقش رسانه های جمعی اخ世上 مطبوعات در  
اطلاع وسائل صحیح و جامع مردمی هلت افغانستان  
چیست؟ شفاف سازی و ثبت اندیشه تنها ملاکی است که  
من بر آن موافیم، جراید را قبول دارم یعنی انتکاس واقعیت،  
حققت گویی و بدهن سانسر.

کلیک فصلنامه کلیک چه جایگاهی را میتواند  
داشته باشد؟

کلیک فصلنامه کلیک چه جایگاهی را میتواند  
داشته باشد؟

امیدوارم فصلنامه کلیک بتواند در این راستا گامهای موثری را  
پردازد و پرخلاف بسیاری از جراید و رسانه‌ها که پیشتر نیمه  
عکسی لیوان را به مردم نشان می‌دهند همیشه باعث تغییر  
روجاه ملت شریف افغانستان می‌شوند شما بتوانید منعکس  
کننده حقایق اعم از وظیفها و زیباییها باشید اتشابه‌دار در آینده  
بتوانیم با روابط سیمیانه و انس پیشتر در این راستا همکاری  
داشته باشیم و ما هم بتوانیم نماینده مردم خیبر و افغانستان  
گزارشهای از تعالیت‌های انجام شده در این نمایندگی را ارائه  
نماییم

کلیک کنید درمورد آدامه تضمیل مهاجرین در ایران  
چه اقداماتی صورت گرفته است؟  
درمورد مسئله پیش داشتگاهی هم ظایع مخصوص گردید که  
مهاجرین مبتداستند برای آدامه تضمیل در منطقه پیش  
داشتگاه، آدامه تضمیل مبتداستند

وعلوه برآن با همکاری سازمان ملل و هلال احمر ایران به تعداد ۱۰ داشتجو (اعم از دختر و پسر) بجهت کسب تجربات تحقیق در قریب شانه های زواحف و سه به دانشگاه معرفی شدند و در دوره کورس ۳ ماهه را گذرانده و بعد از فارغ التحصیلی به وطن بازگشته و مینهاد و هم گردند.

کلیکه پذیرش در داشتکارها قبل از طریق کنکور سواسوسی صورت میگرفته‌اما بعد از استقرار دولت فاعلی به صورت بوسیله های مختلف ادامه تحصیلات ممکن شد که اکثرا بر اساس روابط وید ناحیه توزیع میشد آنکه جدید دولت در این رابطه حسنه است؟

در رابطه با مسئله تعمیلات عالی، محبت هایی در این رابطه مسروت پذیرفته بود و حکم‌گوی آن مقامات عالی افغانستان (وزارت محترم جمهوری اوزاروت خارجی، وزارت تعمیلات حالی) بعلت مقرهایشان با هستای ایرانی خوش این موقعیت را اخراج کرده اند و در مذاکره‌ای که بین وزارت تعمیلات حالیکه و هستای ایرانی و حضور نمایندگان افغانستان برگزار شد،

همیقاً در این باره بحث و خور گردید.  
کفرار شد تعداد قابل ملاحظه پرسی به  
در اختیار وزارت تصمیلات عالیه  
افغانستان از سوی دولت ایران  
قرار گرفت، که از طرف دولتین  
ستینها در اختیار تصمیلات حالی  
قرار شواهد گرفت.



## تو ای حسین!

با تو و پنجه؟

"شب تاریخ و نایم میوه و گردابه های هلال"

و تو ای هنایم ایه، او کشته هایم،

او کوش که ای آن نکوهی صدرا، چادران من آنی و من جوش،

و دل بصله ایه عایه عسلی، و از عدهی نسل ها من کشی،

و هر امید ماحصل هایی را سپاه فدو من کن،

و هر بذار شایسته را در زیر گل از شکاف و من شکفان،

و هر لعل لطفه ای را به برق و بار های و خوش من لطفان،

او آموختار برق شهدت، برق ای آن برق را

و این شبستان سیاه و نماید ما بیفتاد،

قطله ای ای آن کوئی را

و بصله همکنده و نیم مرده ما های سیاه

و نفی ای آتش آن صنهای آتش خدا را

و به این مستانه سرد و خوده را من بشش،

او که "مرگ سرخ" را بگزید

و عاشقات را از "مرگ عیان" برهانی،

و نبا هر قطه ری خوست.

ملک را میات بخش و تلاشی را به تلاش آی

و کلبد مرد و خسرده عذر را کریم کن،

و بدان جوشش و درونه بالکی و عشق و امید دهن،

ایمان را، منت را، تاریخ خداهای را، کلبد ایمان را،

"به تو و کوئی تو مصالح است."

( دکتر ملن شریعتی )

الحمد لله رب العالمين  
الله اكمل الاعداد  
الله اكمل الاعداد



الحمد لله رب العالمين  
الله اكمل الاعداد  
الله اكمل الاعداد



الحمد لله رب العالمين  
الله اكمل الاعداد  
الله اكمل الاعداد



*Magazine*

SCIENTIFIC, CULTURAL, SOCIAL & POLITIC

[www.tabalwor.4t.com](http://www.tabalwor.4t.com)